

ایران: گسترش فقر، کاهش حقوق کارگری

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و

حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند. ماده ۲: هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ماده ۳: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.





عکس ها: جواد م پارسا

راست: زنان چایکار، رشت، گیلان، ۱۳۸۷
 چپ: تظاهرات کارگران در مقابل مجلس، تهران، ۱۳۸۶

منابع: تمام پیوندهای اینترنتی در این گزارش در آخر اردیبهشت ۱۳۹۲ بازبینی شده اند.

فهرست

۵	چکیده
۶	۱ - مقدمه
۷	۲ - آمار و اطلاعات اساسی
۹	۳ - چارچوب بین المللی حقوقی
۹	۱ - ۳ - ایران و عهدنامه‌های حقوق بشری
۹	۲ - ۳ - حق کار در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۱۰	۳ - ۳ - توصیه‌های گذشته سازمان ملل در باره حقوق کار در ایران
۱۵	۴ - چارچوب داخلی حقوقی
۱۵	۴ - ۱ - قانون اساسی
۱۷	۴ - ۲ - قانون کار و کاهش حمایت قانونی از کارگران
۱۸	۴ - ۳ - تبعیض در قانون گزینش
۱۹	۴ - ۴ - مقررات تبعیض آمیز
۲۱	۵ - تبعیض علیه زنان
۲۱	۵ - ۱ - قوانین حاکم بر اشتغال زنان
۲۳	۵ - ۲ - برنامه‌های دولت برای کاهش اشتغال زنان
۲۴	۵ - ۳ - شرایط کار زنان
۲۷	۶ - تبعیض فراگیر نسبت به حق کار
۲۷	۶ - ۱ - تبعیض به دلیل دین/منشای قومی
۳۱	۶ - ۲ - تبعیض به خاطر عقیده سیاسی
۳۳	۷ - محرومیت از حقوق سندیکایی
۳۳	۷ - ۱ - کنترل شدید دولتی بر تشکل‌های کارگری
۳۶	۷ - ۲ - تشکیلات دولتی کارگری
۳۷	۷ - ۳ - محدودیت‌های حق اعتصاب
۳۷	۷ - ۴ - سرکوب خشن اتحادیه‌های مستقل کارگری
۴۶	۸ - حق دریافت دستمزد کافی برای زندگی: رویایی واهی
۴۶	۸ - ۱ - بیکاری
۴۸	۸ - ۲ - حداقل مزد
۵۵	نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
	پیوست: گزیده‌های مربوط به حقوق کار و کارگری - در ملاحظات پایانی کمیته حقوق
۵۸	اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

چکیده

وضعیت اجتماعی و اقتصادی در ایران روز به روز رو به وخامت بیشتر می رود و تاثیر آن بر شرایط زندگی مردم فوری است. بیکاری رو به رشد است، تورم به بالاترین سطح رسیده و اکثر مردم باید در چندین شغل کار کنند چون دستمزد حداقل حتما برای خنثا کردن تورم کافی نیست. شکاف بین درآمد ثروتمندان و تهی دستان در ایران رو به گسترش است.

در این پس زمینه نگران کننده، کارگران از آزادی سازماندهی برخوردار نیستند. نهادها و مجامعی که ظاهرا باید نماینده کارگران باشند در حقیقت به دست حکومت و برای این برپا شده اند که به عنوان ابزاری در دست آن برای کنترل اجتماعی بر کارگران عمل کنند و این کار را نیز انجام می دهند. بنابراین، کارگران از امکان قانونی برای طرح خواسته های خود و حق مذاکره دسته جمعی برخوردار نیستند. اعتصاب ها و تشکل های مستقل کارگری با خشونت سرکوب می شوند.

ارزیابی از حقوق اقتصادی و اجتماعی در ایران به طور کلی، و حقوق کارگری به طور اخص، به علت بی اعتباری آمار و ارقام رسمی مثل تورم، فقر یا بیکاری، مشکل است. این آمار نه تنها بی اعتبار هستند، بلکه در بعضی موارد مسئولان ایران آنها را محرمانه تلقی می کنند. این فرهنگ پنهان کاری، ارزیابی و تحلیل سیاست های رسمی اقتصادی و اجتماعی را دشوار می سازد و بدین ترتیب مانع حق مشارکت در زندگی سیاسی کشور و مشارکت در مباحثه عمومی می شود.

به علاوه، تبعیض در تمام مسایل مربوط به کارگران، در عمل و قانون، فراگیر است. این سیاست ها در مغایرت آشکار با اصول جهانی برابری زن و مرد، زنان را به حاشیه می رانند. اقدامات اخیر برای بازبینی کامل در سیاست های کنترل جمعیت به قصد افزایش میزان زاد و ولد، تبعیض علیه زنان را بیشتر کرده است. تبعیض در کار براساس دین یا منشا قومی نیز گسترده است و در عین حال فعالان و خویشان آنها به خاطر عقاید سیاسی شان قربانی تبعیض نسبت به حق کار می شوند.

بنا به گزارش ها، در سال ۲۰۱۱ در حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون مهاجر افغان - شامل یک میلیون پناهنده ثبت شده - در ایران وجود داشتند که در وضعیت بدی به سر می برند.

نقض جدی حقوق کار در اثر سیاست های به شدت سرکوبگرانه علیه آزادی عقیده، بیان، تشکل و گردهمایی و همچنین فقدان کامل راه چاره های قضایی تشدید می شود. انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ در ایران به تغییری نخواهد انجامید چون نامزدهایی با برنامه های متفاوت امکان شرکت در انتخابات را ندارند. در صورت تداوم رکود اقتصادی، مطالبات اجتماعی و خواست احترام به حقوق کارگری می تواند گسترش یابد و سرانجام رژیم حاکم را به چالش بطلبد.

۱. مقدمه

گزارش حاضر با توجه به رسیدگی سازمان ملل در اردیبهشت ۱۳۹۲ به رعایت تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نگاشته شده است. جمهوری اسلامی ایران در آبان ۱۳۸۸ گزارشی به کمیته ناظر بر اجرای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارایه کرده است که به طور عمده به قوانین موجود می پردازد و اطلاعات قابل توجهی در باره وضعیت واقعی حقوق اقتصادی و اجتماعی در ایران به دست نمی دهد.^۱

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر اجازه انجام ماموریت های حقیقت یابی در ایران را دریافت نمی کند و به این دلیل گزارش حاضر بر اساس پژوهش مستند تهیه شده است. منابع رسمی و نیمه رسمی مورد استفاده قرار گرفته اند: اطلاعات و گزارش های دولتی، اظهارات مسئولان ارشد، گزارش های روزنامه ها، رسانه ها و خبرگزاری های داخلی، سازمان های غیردولتی و پژوهش های علمی.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ رعایت تعهدات ایران بر اساس میثاق را مورد رسیدگی قرار داده و به تعدادی از موارد نقض جدی حقوق بشر اشاره کرده و پیشنهادهایی به دولت ایران ارایه کرده است. همان طور که در گزارش حاضر مشاهده می شود، متأسفانه، این پیشنهادها به اجرا گذاشته نشده و مورد توجه قرار نگرفته اند.



کارگران ایران خواستار پرداخت مزدهای معوقه هستند.
منبع عکس: <http://asoyroj.com>

۲. آمار و اطلاعات اساسی

بر اساس آمار رسمی،^۲ ۷۱/۴٪ جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰ در مناطق شهری و ۲۸/۵٪ در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. ۶۳/۳ میلیون نفر بالاتر از ۱۰ سال سن داشتند.^۳ امید به زندگی برای مردان ۷۲/۱ سال و برای زنان ۷۴/۶ سال و میزان باسوادی ۹۳/۲٪ بود. ۵/۴ میلیون نفر از آموزش عالی برخوردار بودند: ۱۸/۲٪ کل مردان و ۱۸/۴٪ زنان.

۱۸/۶٪ جمعیت (۱۷/۲٪ از مردان و ۲۶/۲٪ از زنان) در بخش کشاورزی، ۳۳/۴٪ (۳۵/۲٪ مردان؛ ۲۳/۳٪ زنان) در بخش صنعت؛ و ۴۸٪ (۴۷/۶٪ مردان؛ ۵۰/۴٪ زنان) در بخش خدمات کار می‌کردند.

جدول: مقایسه آمار سرشماری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

سال	۱۳۹۰	۱۳۸۵
مجموع (میلیون)	۷۵/۱۵ ^۵	۷۰/۵
جمعیت شهری (میلیون)	۵۳/۶۴	۴۸/۲۵
جمعیت روستایی (میلیون)	۲۱/۴۴	۲۲/۱۳

ایران کشوری ثروتمند با ذخایر نفتی و منابع دیگر و دارای بخش‌های بزرگ صنعت، تجارت، خدمات و کشاورزی است. به گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۹ برابر با ۳۳۱ میلیارد دلار آمریکا، و درآمد ناخالص سرانه ملی آن ۴۵۲۰ دلار آمریکا بود و کشور در رده کشورهای «دارای درآمد بالاتر از متوسط» قرار داشت.^۶

درآمد نفتی ایران در فاصله ۱۳۸۹-۱۳۸۵ بالغ بر ۳۲۷/۷ میلیارد دلار آمریکا بود.^۷ درآمد مربوط به سال ۱۳۹۰ در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار آمریکا برآورد می‌شود.^۸ تولید نفت در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط ۲/۶ میلیون بشکه در روز بود. تحریم‌های بین‌المللی که به خاطر برنامه هسته‌ای علیه دولت ایران برقرار شده‌اند، در سال ۱۳۹۱ درآمدهای نفتی را در حدود ۵۰-۴۰ درصد کاهش داده‌اند. این تحریم‌ها مسلماً در وخامت وضع اقتصادی ایران نقش داشته‌اند، اما نمی‌توان آنها را در نقض گسترده حقوق کار و کارگری در کشور مقصر دانست، بلکه همان‌طور که در این گزارش دیده می‌شود، تقصیر به عهده سیاست‌ها و عملکردهای دولت است.

۲. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران، در اینجا:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1390/sarshomari90_nahaii.pdf

۳. قابل توجه است که آمار رسمی جمعیت "فعال اقتصادی" را برای افراد بالاتر از ۱۰ سال ارائه می‌کند که به طور آشکار نشانه وجود کار کودکان است. موضوع کار کودکان در این گزارش مورد بررسی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد، این موضوع نیازمند تحقیقی مستقل در چارچوبی گسترده‌تر است.

۴. مرکز آمار ایران، منبع پیش گفته. بر اساس گزارش‌ها، مرکز آمار ایران در بهمن ۱۳۹۱ برآورد جمعیت را بیش از ۷۷ میلیون اعلام کرده است (خبرگزاری فارس، ۲ اسفند ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۱=13911203000204؛ <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911203000204>). در صورت تایید این آمار، آهنگ افزایش جمعیت - که از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سالانه ۱ میلیون نفر بود - در سال ۱۳۹۱ ناگهان دوبرابر شده است.

۵. شامل ۱/۴۵ میلیون افغان در سال ۱۳۹۰ که حاکی از افزایش نسبت به ۱/۲۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ است. <http://data.worldbank.org/country/iran-islamic-republic>

۶. میزان درآمدهای نفتی ایران در ۵ سال اخیر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ تیر ۱۳۹۱، در وبگاه الف، <http://alef.ir/vdch-inzk23n-zd.tft2.html?162164> :

۷. درآمد بی‌سابقه نفتی ایران، ۴ خرداد ۱۳۹۱، بخش فارسی بی بی سی، http://www.bbc.co.uk/persian/business/2012_ka_centralbank_oil_iran.shtml

۳. چارچوب بین المللی حقوقی

۳.۱ ایران و عهدنامه‌های حقوق بشری

دولت ایران متعاهد چهار عهدنامه‌های حقوق بشری سازمان ملل است: کنوانسیون بین المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی (ICERD)، تاریخ عضویت ۷ شهریور ۱۳۴۷؛ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، تاریخ عضویت ۳ تیر ۱۳۵۴؛ و کنوانسیون حقوق کودک (CEC)، تاریخ عضویت ۲۲ تیر ۱۳۷۳.

علاوه بر آنها، ایران عهدنامه‌های دیگر^{۱۳} مربوط به حقوق بشر و کار را تصویب کرده است، از جمله کنوانسیون های سازمان بین المللی کار در مورد تبعیض (استخدام و اشتغال)، ۱۹۵۸ (کنوانسیون شماره ۱۱۱)، و کنوانسیون مبارزه با بدترین شکل های کار کودک، ۱۹۹۹ (کنوانسیون شماره ۸۲).

۳.۲ ایران و عهدنامه‌های حقوق بشری

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق کار را به رسمیت می شناسد که حق کارگران را برای امرار معاش از طریق کار انتخابی خود (ماده ۶) و شرایط کاری ایمن و سالم که موجب تحقیر کرامت انسان نباشد (ماده ۷) در بر می گیرد. به علاوه، دستمزد عادلانه ای که امکان زندگی آبرومندانه را برای کارگران و خانواده هایشان فراهم کند باید تضمین شود. هیچ نوع تبعیضی نباید در اشتغال یا ترفیع وجود داشته باشد. در مقابل کار برابر باید دستمزد برابر پرداخته شود و کارفرمایان باید به کارگران مرخصی منظم و با حقوق بدهند (ماده ۷). حق کار شامل هم پیوندی با یک دیگر و مذاکره دسته جمعی برای شرایط بهتر کاری، حق تشکیل یا پیوستن به اتحادیه کارگری انتخابی و حق اعتصاب است (ماده ۸).

ماده ۳ میثاق مقرر می کند که «دولت های عضو حق برابر زنان و مردان در بهره گیری از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تضمین کنند».

کمیته سازمان ملل برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفسیرهای قاطعی در باره حق کار^{۱۴} در میثاق و مخالفت با تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر کرده است.^{۱۵}

۱۳. عهدنامه‌های دیگر حقوق بشر که ایران به تصویب رسانده است از این جمله هستند: کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان (تصویب ۶ مرداد ۱۳۵۵)؛ پروتکل ۱۹۶۷ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (تصویب ۶ مرداد ۱۳۵۵)؛ کنوانسیون ۱۹۴۸ پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی (تصویب ۲۳ مرداد ۱۳۳۵)؛ کنوانسیون ۱۹۷۳ سرکوب و مجازات جنایت آپارتاید (تصویب ۲۷ فروردین ۱۳۶۴). باوجوداین، قابل توجه است که ایران کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها، کنوانسیون مبارزه با شکنجه و مجازات ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، کنوانسیون بین المللی حمایت از تمام افراد در مقابل ناپدید شدن های قهری، و سه کنوانسیون مهم سازمان بین المللی کار، یعنی کنوانسیون آزادی تشکل و حمایت از حق سازماندهی، ۱۹۴۸ (شماره ۸۷)، کنوانسیون حق سازماندهی و مذاکره دسته جمعی، ۱۹۴۹ (شماره ۹۸)، کنوانسیون حداقل سن، ۱۹۷۳ (شماره ۱۳۸) و پروتکل الحاقی میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تصویب نکرده است.

۱۴. نظریه عمومی شماره ۱۸، نوامبر ۲۰۰۵، E/C.12/GC/18.

۱۵. نظریه عمومی شماره ۲۰، جولای ۲۰۰۹، E/C.12/GC/20.

عدم تبعیض (نظریه عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

بند ۲: عدم تبعیض و برابری بخش‌های بنیادی حقوق بین‌المللی حقوق بشر و برای به کارگیری و بهره‌بری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیاتی هستند...

ماده ۲، بند ۲، میثاق تمام دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که «اجرای حقوق مشروح در میثاق حاضر را بدون تبعیض از هر نوع در زمینه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا دیگر، منشا ملی یا اجتماعی، مالکیت، تولد یا وضعیت دیگر تضمین کنند.»

بند (الف) ۸: لازمه رفع تبعیض رسمی این است که قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های دولت عضو نبود تبعیض در زمینه‌های منع شده تضمین کنند...^{۱۶}

بند (ب) ۸: لازمه رفع تبعیض در عمل توجه کافی به گروه‌هایی از افراد است که به لحاظ تاریخی یا پیوسته از پیشداوری تبعیض آمیز رنج می‌برند...

بند (الف) ۱۰: تبعیض مستقیم زمانی رخ می‌دهد که با یک فرد در شرایط مشابه و در مقایسه با فرد دیگر به دلیل ناشی از یک موضوع منع شده رفتار نامساعدتری در پیش گرفته شود، برای مثال در صورتی که اشتغال در موسسه آموزشی یا فرهنگی یا عضویت در اتحادیه کارگری بر عقاید سیاسی درخواست کننده یا کارکنان مبتنی باشد.

بند (ب) ۱۰: تبعیض غیرمستقیم اشاره به قوانین، سیاست‌ها یا عملکردهایی دارد که به ظاهر خنثا به نظر می‌آیند، اما تاثیر نامتناسبی بر اجرای حقوق میثاق بر اساس زمینه‌های منع تبعیض می‌گذارند.

۳,۳ توصیه‌های گذشته سازمان ملل در باره حقوق کار در ایران ۳,۳,۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) اولین گزارش جمهوری اسلامی ایران در باره اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سال ۱۹۹۳ مورد بررسی قرار داد و در ملاحظات پایانی خود توجه را به نکات زیر جلب کرد:

[...] اصل‌های مختلف قانون اساسی ایران بهره‌گیری از حقوق بشر شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که در سطح جهانی پذیرفته شده‌اند، به شرط‌هایی [مربوط به اسلام] محدود می‌کنند... آشکار است که مسئولان در ایران از دین به عنوان دستاویزی برای تعدی به این حقوق استفاده می‌کنند.^{۱۷}

[...] در عمل هیچ پیشرفتی در تضمین احترام بیشتر به حقوق گروه‌های مذهبی غیرمسلمان در جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آنها به طور کلی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیروان این گروه‌های اقلیت به طور خاص، به دست نیامده است.^{۱۸}

۱۶. که در بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است.
۱۷. نتایج و توصیه‌های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایران، C.12/1993/E/C.12 (1993)، بند ۴
۱۸. همانجا، بند ۵

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دولت ایران می‌خواهد که برای تضمین اجرای حقوق مشروح در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا دیگر، به ویژه در مورد اقلیت‌های قومی یا مذهبی، گام‌های لازم را بردارد. به عقیده کمیته لازم‌تعمهد به تضمین فرصت‌های برابر برای زنان توجه خاص، به ویژه در زمینه حق کار، به حقوق مربوط به خانواده و حق آموزش است.^{۱۹}

به علاوه کمیته توصیه می‌کند که گزارش ادواری دوم ایران نه تنها اطلاعاتی در باره اقدامات قانونگزاری بلکه در باره اجرای این قوانین، مشکلات پیش آمده در فرایند اجرای آنها و موضوع‌های مطرح شده در ملاحظات پایانی حاضر ارایه کند.^{۲۰}

۳.۳.۲ کمیته رفع تبعیض نژادی

در آگوست ۲۰۰۳، کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل (CERD) ملاحظه کرد که وضع حقوقی کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی در قوانین داخلی دولت عضو ناروشن است و خواستار اطلاع در باره تایید آن به وسیله شورای نگهبان شد.^{۲۱} به علاوه کمیته ملاحظه کرد که کنوانسیون هیچ‌گاه در دادگاه‌های داخلی مورد استناد واقع نشده است.^{۲۲}

در آگوست ۲۰۱۰، کمیته رفع تبعیض نژادی دوباره تاکید کرد که «جایگاه حقوقی کنوانسیون در کنار برخی مقررات مغایر با آن در قانون اساسی و قوانین داخلی ناروشن است. به علاوه کمیته ملاحظه می‌کند که دادگاه‌های داخلی هرگز به کنوانسیون استناد نکرده اند».^{۲۳}

کمیته رفع تبعیض نژادی در ملاحظات پایانی خود در سال ۲۰۱۰:

«از گزارش‌هایی حاکی از این که اجرای معیار "گزینش" - یعنی رویه‌گزینشی که مسئولان و کارمندان دولتی را ملزم می‌کند التزام خود به جمهوری اسلامی ایران و دین رسمی را نشان دهند - می‌تواند باعث محدود کردن فرصت‌های شغلی و مشارکت سیاسی برای اعضای جوامع عرب، بلوچ، یهودی، ارمنی و کُرد و دیگران شود، ابراز نگرانی» کرد (ماده ۵).^{۲۴}

۱۹. همانجا، بند ۸

۲۰. همانجا، بند ۹

۲۱. شورای نگهبان سازگاری قوانین مجلس را با شرع و قانون اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲۲. CERD/C/163/CO/6، بند ۱۰

۲۳. ملاحظات پایانی کمیته رفع تبعیض نژادی، CERD/C/IRN/CO/18-19، بند ۷

۲۴. همانجا، بند ۱۶

۳،۳،۳ کمیته آزادی تشکل سازمان بین المللی کار

کمیته آزادی تشکل سازمان بین المللی کار شکایت های علیه دولت جمهوری اسلامی ایران را در مارچ ۲۰۱۱ مورد رسیدگی قرار داد و به شرح زیر نظر داد:

[...] کمیته دولت را به اصلاح قانون کار و آئین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه مصوب هیات وزیران فرا می خواند تا برای کارفرمایان و کارگران امکان انتخاب آزادانه تشکل دلخواه برای نمایندگی ایشان و برای این تشکل ها امکان استفاده از حق انتخاب آزاد نمایندگان خود بدون دخالت مسئولان دولتی فراهم شود...^{۲۵}

[...] کمیته یادآوری می کند که موضوع انحصار تشکیلاتی مقرر در ماده ۱۳۱ قانون کار را چندین بار مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که به نظر می رسد انحصار تشکیلاتی مقرر در قانون اساسی مشکلات مربوط به آزادی تشکل در کشور را تشکیل می دهد.^{۲۶}

کمیته یادآوری می کند که اصل تکثر اتحادیه های کارگری، که تضمین آن در قانون و عمل بارها از دولت ایران درخواست شده، بر این پایه قرار دارد که کارگران حق دارند بدون مداخله مسئولان دولتی و در دفاع از منافع کارگران با یک دیگر همراه شوند و سازمان دلخواه خود را مستقل و با ساختارهایی که به اعضا اجازه انتخاب مسئولان آن را می دهد تشکیل دهند، مقررات و آیین نامه های خود را تنظیم و تصویب کنند، ساختار اداری و فعالیت های خود را شکل دهند و برنامه هایشان را تدوین کنند. با توجه به تداوم الزام قانونی ماده ۱۳۱ قانون کار، به نظر می رسد که بار دیگر یک تشکیلات دیگر به نام قانون هماهنگی انجمن های صنفی کارگران و مجمع نمایندگان کارگران این حق را غصب کرده است.^{۲۷}

[کمیته] باز ملاحظه می کند که پیش نویس اصلاحات [در قانون کار] که در چارچوب پرونده شماره ۲۵۶۷ ارایه شده و در مقدمه گزارش کمیته مورد بررسی قرار گرفته به نظر می رسد انتخاب را بین نمایندگی به وسیله انجمن صنفی کارگران و نماینده کارگران محدود می کند. به این ترتیب، به نظر می رسد که در واحد هایی که نماینده کارگران وجود دارد، کارگران نمی توانند در حال حاضر یا پس از تصویب اصلاحات پیشنهادی اتحادیه کارگری دلخواه خود را تشکیل دهند. بنابراین، به نظر کمیته، دولت باید فوری تمام کوشش هایش را برای اصلاح سریع قانون کار انجام دهد به شیوه ای که آن را به طور کامل با اصل آزادی تشکل سازگار کند و برای این منظور تضمین کند که کارگران بتوانند صرفنظر از وجود نمایندگان انتخابی کارگران یا شوراهای اسلامی کار - بدون مداخله دولت - آزادانه برای تشکیل تشکل های دلخواه خود گرد هم آیند.^{۲۸}

۲۵. گزارش ۳۵۹ کمیته آزادی تشکل (سازمان بین المللی کار)، پرونده شماره ۲۵۶۷، ص ۲۱، مارچ ۲۰۱۱

۲۶. همانجا، ص ۱۹۰

۲۷. همانجا

۲۸. همانجا، ص ۱۹۱

۳،۳،۴ کمیته کارشناسی اجرای کنوانسیون ها و توصیه ها (سازمان بین المللی کار)

کمیته کارشناسی اجرای کنوانسیون ها و توصیه ها (CEACR) در ملاحظاتی که در سال ۲۰۱۲ تصویب کرد، چندین توصیه به دولت ایران پیشنهاد کرد، از جمله:^{۲۹}

در باره تبعیض بر اساس جنسیت، قوانین و مقررات تبعیض آمیز:

... گام های فوری و مشخص برای تضمین لغو، اصلاح موثر یا تغییر تمام قوانین، مقررات، دستورالعمل ها یا عملکردهایی بردارید که مانع برابری فرصت برای زنان و برخورد با آنان در استخدام و اشتغال می شود، از جمله در باره ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، مقررات تامین اجتماعی، نقش قضات زن، و قانون حجاب اجباری. با توجه به اشاره دولت به لایحه بازنشستگی زود هنگام برای زنان خانه دار، کمیته از دولت می خواهد این لایحه را مورد بازبینی قرار دهد تا مطمئن شود که تاثیر منفی بر زندگی حرفه ای زنان یا دسترسی آنها به پست های بالاتر نداشته باشد یا منجر به پرداخت مستمری بازنشستگی کمتر از مردان به زنان نشود، و اطلاعات مشخصی در این زمینه ارائه کند.

در باره تبعیض بر اساس دین و منشا قومی:

... اقدام فوری و قاطع برای مبارزه با تبعیض و رفتارهای کلیشه ای علیه اقلیت های دینی، به ویژه بهایان، از طریق ترویج احترام و تحمل برای اقلیت های دینی، لغو تمام مقررات قانونی تبعیض آمیز، شامل گزینش و لغو تمام بخشنامه ها و ابلاغیه های دولتی که علیه اقلیت های دینی تبعیض قایل می شوند، انجام دهید. کمیته همچنین از دولت می خواهد که حمایت از اقلیت های دینی، شامل اقلیت های دینی غیررسمی، به ویژه بهایان، و نیز اقلیت های قومی و دسترسی و فرصت برابر آنها را در آموزش، استخدام و اشتغال، در عمل و قانون، تضمین کند.

در باره تبعیض بر اساس عقیده سیاسی

اقداماتی به اجرا بگذارید تا حمایت از معلمان، دانشجویان و نمایندگان آنها در مقابل تبعیض مبتنی از عقیده سیاسی تضمین شود. از دولت درخواست می شود در باره اقدامات مشخص در این زمینه اطلاع رسانی کند.

در باره چارچوب قانونگزاری و سیاستگزاری برای برابری و نبود تبعیض:

حمایت موثر و جامع قانونی از تمام کارگران را، صرف نظر از ملیت آنها، در مقابل تبعیض مستقیم و غیرمستقیم، حداقل در تمام زمینه هایی که در کنوانسیون مطرح شده، یعنی نژاد، رنگ پوست، جنسیت، دین، عقیده سیاسی، تبار ملی و منشا اجتماعی، در ارتباط با تمام جنبه های استخدام و اشتغال، تضمین کنید...

در باره برابری فرصت ها و رفتار با زنان و مردان:

گام های مشخص بردارید تا فرصت های آموزشی و کارآموزی زنان به اشتغال منجر شود، از جمله در کارهایی که بر یک مسیر حرفه ای و با دستمزد بالاتر قرار دارند...

۲۹. ملاحظات (کمیته کارشناسی اجرای کنوانسیون ها و توصیه ها)، تصویب ۲۰۱۲، انتشار در صد و دومین نشست کمیته بین المللی کار، در باره کنوانسیون C111، کنوانسیون تبعیض (استخدام و اشتغال)، ۱۹۵۸ (شماره ۱۱۱) ایران، در اینجا:
http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=1000:13100:0::NO:13100:P13100_COMMENT_ID:3085370

۳,۳,۵ کمیته حقوق بشر سازمان ملل

کمیته حقوق بشر سازمان ملل ملاحظات پایانی خود را درباره رعایت تعهدات ایران بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در نوامبر ۲۰۱۱ تصویب و توصیه کرد:^{۳۰}

دولت عضو باید آزادی گردهم‌آیی و تشکل را بدون تبعیض برای تمام افراد تضمین کند و تمام کسانی را که تنها به خاطر استفاده مسالمت‌آمیز از این حق در بازداشت هستند فوراً و بدون قید و شرط آزاد نماید، از جمله دانش‌جویان، معلمان، مدافعان حقوق بشر (شامل فعالان حقوق زن)، وکلای دادگستری و فعالان سندیکایی.^{۳۱}

۳۰. ملاحظات پایانی کمیته حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ اکتبر - ۴ نوامبر ۲۰۱۱، CCPR.C.IRN.CO.3
۳۱. همانجا، بند ۲۶

۴. چارچوب داخلی حقوقی

۴.۱ قانون اساسی

اصل ۲۰ قانون اساسی حقوق شهروندان را مشروط کرده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. (تاکید از ماست)

اصل ۲۱ در باره حقوق زنان است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. (تاکید از ماست)

اصل ۲۸ «حق کار» را به طور مشخص مطرح می کند: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. (تاکید از ماست)

هر سه اصل حقوق مردم را در چارچوب مقررات دین رسمی کشور محدود و مشروط می کنند.

اصل ۴۳ یک اصل برنامه ای است: ...اقتصاد جمهوری اسلامی ایران [از جمله] بر اساس ضوابط زیر استوار می شود: تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر...

رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری. (تاکیدها از ماست).

حداقل سه اصل دیگر قانون اساسی به «حق کار» مربوط می شوند، گرچه در نگاه اول چنین به نظر نرسد.

اصل ۱۲ زمینه تبعیض علیه تمام غیرمسلمانان را فراهم کرده است. دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری^{۳۲} است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی^{۳۳} دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند...

اصل ۱۳ تنها سه اقلیت دینی را به رسمیت می شناسد و در نتیجه وجود و حقوق اقلیت های دینی غیررسمی، از جمله بهاییان، دراویش و یارسان (اهل حق) را انکار می کند:^{۳۴} ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند. (تاکید از ماست)

۳۲. مکتبی از مذهب شیعه که بر اساس آموزش های امام ششم جعفر صادق بنا شده است.

۳۳. چهار مکتب اول به اهل سنت تعلق دارند و مکتب پنجم به طور عمده شیعه است.

۳۴. گروه های دیگری هم وجود دارند، از جمله آل یاسین، و پیروان سایمتولوژی

اصل ۱۴ «حقوق انسانی» تمام کسانی را که «بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام» کنند نفی می کند. این محدوده وسیع تمام منتقدان و مخالفان رژیم را در بر می گیرد.
[...]. دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. (تاکید از ماست)

مقررات قانون اساسی در بالا، همچون بعضی اصول دیگر آن که به حقوق و آزادی ها اشاره دارند ولی آنها را مقید و محدود به اصول اسلام می کنند، اساس تبعیض گسترده در عمل را علیه ادیان دیگر، بی دینان و منتقدان حکومت تشکیل می دهند.

در چارچوب این گزارش، توجه بر تبعیض در زمینه حق کار متمرکز خواهد شد.^{۳۵}

تا جایی که به مشاغل دولتی مربوط می شود، قانون اساسی به شدت علیه غیر شیعیان، غیر مسلمانان و زنان تبعیض قایل می شود. تنها مردان شیعه می توانند پست رهبری، ریاست جمهوری، ریاست قوه قضاییه، دادستان کل و ریاست دیوان عالی کشور را به عهده بگیرند.^{۳۶} غیر مسلمانان و زنان نمی توانند قاضی باشند یا بعضی پست های دیگر را در اختیار بگیرند.^{۳۷} به علاوه، اصل ۶۴ تنها پنج نماینده برای سه اقلیت دینی رسمی در مجلس شورای اسلامی تعیین کرده است، یعنی اعضای این اقلیت های دینی بر اساس قانون از انتخاب به نمایندگی از دیگر ایرانیان منع شده اند.

۳۵. ماهیت تبعیض آمیز قانون اساسی و بعضی قوانین دیگر را به طور مشروح در گزارش های دیگر مورد بحث قرار داده ایم؛ نگاه کنید به: رُویه پنهان ایران، تبعیض ضد اقلیت های قومی و دینی در ایران، گزارش مشترک فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران؛ http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf
۳۶. اصل های ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۵۷ و ۱۶۲

۳۷. CCPR/C/IRN/3، گزارش جمهوری اسلامی ایران به کمیته حقوق بشر، ۲۷ اکتبر ۲۰۰۹، CCPR/C/IRN/3، بند ۶۰۹؛ اصل ۱۶۳ قانون اساسی و قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری (نگاه کنید به: قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۱، وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90547>)

۴,۲ قانون کار و کاهش حمایت قانونی از کارگران

ماده ۵۱ قانون کار (آبان ۱۳۶۹) مدت کار در هفته را ۴۴ ساعت تعیین کرده است. کارگران در هفته حداقل یک روز تعطیل هستند. ماده ۷ قرارداد کار را به صورت «کتبی یا شفاهی» پذیرفته است. نتیجه آن پیدایش نوعی از قرارداد است که به طور گسترده به آن «قراردادهای سفید امضا» گفته می شود. بر این اساس، کارکنان فقط قراردادهای کوتاه مدت امضا و، حتا پیش از استخدام، گواهی می کنند که هیچ ادعایی علیه کارفرما ندارند. در نتیجه، کارفرما در موقعیتی قرار دارد که کارکنان را بدون پرداخت دستمزد و مزایای قانونی اخراج کند. بنا به بعضی از گزارش ها، در حال حاضر بیش از ۵۵٪ از قراردادهای بر این اساس تنظیم شده اند.^{۳۸} در مورد زنان کارگر، این نسبت تا ۷۰٪ و بیشتر نیز گزارش شده است.^{۳۹}

ماده ۱۹۱ قانون کار به هیات وزیران اختیار داده است تا «کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر» را از الزام به رعایت بعضی از مقررات این قانون معاف کند. در واقع، در سال ۱۳۸۱، هیات وزیران آیین نامه ای را بر اساس ماده ۱۹۱ تصویب کرد که این گونه شرکت ها را از الزام به رعایت بخش های عمده ای از مقررات ۳۷ ماده این قانون معاف کرد.^{۴۰} این مواد از جمله این موارد را در برمی گیرند: مرخصی تحصیلی، بازگشت کارگران توقیف شده به کار و قراردادشان، پرداخت حقوق و مطالبات در هنگام فسخ قرارداد، طبقه بندی مشاغل، مدت زمان کار روزانه و مزد اضافه کار، مرخصی استحقاقی، تامین غذا، امکان حمل و نقل و خوابگاه در موارد مربوط.

به علاوه، قانون دیگری کارگاه های کمتر از ۵ نفر را از بیمه اجباری کارگران معاف کرده است.^{۴۱}

معافیت کارفرمایان از الزام به این مقررات تنها به حقوق و مزایای کارگران ضربه زده است.

برای ارزیابی این که چه تعداد از نیروی کار در اثر این معافیت ضربه دیده اند، در نبود آمار رسمی مربوط، ناگزیر داده های زیر را در نظر گرفته ایم:

- مرکز آمار ایران تعداد کل نیروی کار را در سال ۱۳۸۷ در حدود ۲۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۱، ۲۴/۴ میلیون نفر برآورد کرده است.^{۴۲}
- بیش از ۸۰٪ شرکت ها، شرکت های کوچک هستند.^{۴۳}
- مرکز آمار ایران تعداد کارکنان واحدهای صنعتی بیش از ۱۰ نفر را در سال ۱۳۸۷ در حدود ۱/۲۶ میلیون نفر برآورد کرده است.^{۴۴}
- برآورد تعداد اشخاص شاغل در واحدهایی از نوع دیگر با بیش از ۱۰ نفر، اگر کمتر از تعداد بالا نباشد، خیلی بیشتر نیست.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بخش بزرگی از نیروی کار، و شاید بیش از نیمی از آن، از بهره گیری از بخش مهمی از مقررات قانون کار محروم شده است.^{۴۵}

۳۸. گسترش قراردادهای سفید امضا در واحدهای کوچک تولیدی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، پایگاه خبری آفتاب، در اینجا: <http://khabarfarsi.com/ext/2554388>

۳۹. هدفمند کردن یارانهها 'قراردادهای کار سفید امضا' را گسترش داده است، پروین محمدی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، بی بی سی فارسی، http://www.bbc.co.uk/persian/rolling_news/2012/145_rln_subsidies_women_labour.shtml

۴۰. تصویب موارد استثناء و معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار، مصوبه هیات وزیران، ۷ بهمن ۱۳۸۱، وبسایت وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، در اینجا: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/122666>

۴۱. قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند، وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۶ اسفند ۱۳۶۱، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90675>

۴۲. نشریه نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر و بیشتر ۱۳۸۷، ۶ اسفند ۱۳۹۱، مرکز آمار ایران، در اینجا: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=286&articleType=ArticleView&articleId=418>

۴۳. ۸۰ درصد قراردادهای کارگران و کارفرمایان مازندران سفید امضا منعقد می شود، رئیس کانون همبستگی شوراهای اسلامی کار کارخانجات مازندران، خبرگزاری ایلنا، ۳۰ مرداد ۱۳۹۱، در اینجا: <http://ns2.ilna.ir/news/news.cfm?id=194>

۴۴. منبع پیش گفته: نشریه نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر و بیشتر ۱۳۸۷

۴۵. در باره قوانین و مقررات دیگر نگاه کنید به بخش های «تبعیض علیه زنان»، «حداقل مزد» و «محرومیت از حقوق سندیکایی»

۴,۳ تبعیض در قانون گزینش

قانون گزینش معلمان مصوب سال ۱۳۷۴، در سال ۱۳۷۵ به کارکنان تمام وزارتخانه ها و سازمان های دولتی دیگر تسری پیدا کرد. این قانون شامل مقررات زیر است که مشخصا برضد غیرمسلمانان، مسلمانانی که به ولایت فقیه^{۴۶} باور ندارند یا به آن پایبند نیستند، مسلمانانی که به احکام عمل نمی کنند، اشخاصی که در نماز جمعه یا نماز جماعت شرکت نمی کنند، و زنانی که چادر به سر نمی کنند تبعیض قائل می شود:

برای مثال، ماده ۲ قانون گزینش بعضی از ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی [کارکنان] را به شرح زیر مقرر کرده است:

۱. اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. التزام عملی به احکام اسلام
۳. اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی
۴. اقلیت های مذهبی مصرح در قانون اساسی از نظر اعتقادی و عملی با رعایت قوانین و مقررات مربوطه تابع شرایط خاص خود هستند اما در هر حال نباید متجاهر به نقض احکام اسلامی باشند.
۵. ایثارگران اولویت دارند و در موارد محدودیت ظرفیت، اولویت های دیگری اعمال خواهد شد، مانند پیشینه فعالیت در نهادهای انقلاب، شرکت در نماز جمعه و جماعت، پوشش چادر برای زنان.

تبعیض مشروح در بالا در فصل دوم آئین نامه مصوب سال ۱۳۷۷ همان قانون با عنوان «ضوابط عمومی و ضوابط انتخاب اصلح» تشدید شده است. ماده ۳ این آئین نامه التزام عملی به احکام اسلام در ماده ۲ قانون را چنین تعریف می کند: (۱) عمل به واجبات از قبیل نماز، روزه و... (۲) اجتناب از محرمات (عدم ارتکاب معاصی کبیره).



عکس: nasabonline.blogspot.com

۴۶. بر اساس این نظریه، در دوران غیبت امام دوازدهم و تا زمان ظهور، او فقیه شیعه از اختیارات عالی بر حکومت برخوردار است.

۴,۴. مقررات تبعیض آمیز

الف) نهادهای دولتی

بر اساس قانون اساسی و قانون گزینش، نهادهای دولتی مقررات تبعیض آمیز استخدامی و کم و بیش سختگیرانه خود را علیه غیرمسلمانان وضع کرده اند.

نیروهای مسلح از مقررات ایدئولوژیک سختی برخوردار هستند. سخت گیری در مقررات نیروی انتظامی کمتر از ارتش است، اما در باره اعتقاد مذهبی، باورهای ایدئولوژیک و سیاسی و التزام به قانون اساسی و فعالیت های سیاسی کنونی و گذشته تفتیش می کند. شرایط پیوستن به نیروی انتظامی شامل موارد زیر است:

- اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام؛
- اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه و آمادگی فداکاری در راه اهداف آنها؛
- عدم سابقه عضویت یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی معارض با نظام جمهوری اسلامی ایران^{۴۷}

شرایط استخدام در وزارت آموزش و پرورش نیز سختگیرانه است:

- اعتقاد و التزام عملی به مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه؛
- تدین به دین مبین اسلام یا یکی از ادیان رسمی کشور مصرح در قانون اساسی.^{۴۸}

مقررات وزارت دادگستری برای استخدام کارکنان دفتری به سختی وزارت آموزش و پرورش نیست و شرایط الزامی برای کارکنان از این قرار است:

- اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۴۹}

حتا شرایط الزامی استخدام در شهرداری نیز شامل این موارد است:

- تدین به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی کشور مصرح در قانون اساسی
- اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران
- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۵۰}

سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی که وابسته به شهرداری تهران است نیز کارکنانش را ملزم به اعتقاد به جمهوری اسلامی ایران یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی می کند.

سازمان تامین اجتماعی کمی از شدت مقررات کاسته است. کارکنان آن باید به نظام جمهوری اسلامی ایران و دین مبین اسلام یا یکی از ادیان رسمی در قانون اساسی اعتقاد داشته باشند.^{۵۱}

۴۷. آگهی استخدام درجه داران در نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۱؛ وبگاه تبیان، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleID=706295>

۴۸. شرایط و نحوه ثبت نام در آزمون استخدامی آموزش و پرورش، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹، خبر آنلاین، در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/news-58506.aspx>

۴۹. آگهی استخدام قوه قضاییه، در اینجا: <http://www.gonabad20.ir/component/content/article/202.html.21-38-01-06-06-1390>

۵۰. استخدام شهرداری سال ۹۲، در اینجا: <http://www.e-estekhdam.com/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D985-%D8%B4%D987%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D991-84/>
۵۱. سازمان تامین اجتماعی، <http://www.tamin.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=5&Id=2484>

به نظر می رسد کمترین تبعیض در مقررات استخدامی در میان نهادهای دولتی در سازمان امور مالیاتی کشور برقرار باشد که تنها التزام به قانون اساسی را شرط کرده است.^{۵۲} باوجوداین، همین سازمان از داوطلبان مسلمان متقاضی استخدام در زمینه های مختلف از جمله معارف اسلامی آزمون می گیرد، اما اقلیت های دینی از آزمون معارف اسلامی معاف هستند. بدیهی است که تنها پیروان ادیان رسمی پذیرفته می شوند.

ب) نهادهای غیردولتی

شرکت ها و نهادهای خصوصی بزرگ دارای ارتباط رسمی یا غیررسمی با دولت دارای مقررات به شدت تبعیض آمیز ایدئولوژیک هستند. در زیر چند نمونه آرایه می شود:

دفتر فن آوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی داوطلبان را ملزم می کند:

- مسلمان یا متدین به یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی باشند؛ و
- اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل ولایت فقیه داشته باشند.^{۵۳}

شرکت های پتروشیمی در بندر عسلویه در استان جنوبی بوشهر از کارکنان می خواهند ایمان و اعتقاد به نظام مقدس جمهوری ایران و ولایت فقیه و متدین به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی کشور داشته باشند.^{۵۴}

برای استخدام در شرکت مدیریت طرحهای صنعتی ایران، اعتقاد به دین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی کشور، التزام به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، رعایت شئون اسلامی و حجاب، نداشتن سابقه همکاری و عضویت در گروههای سیاسی غیرقانونی الزامی است.^{۵۵}

گروه صنعتی ایران خودرو که یک شرکت اتومبیل سازی است تنها کسانی را استخدام می کند که معتقد به یکی از ادیان رسمی باشند.^{۵۶}

۵۲. سازمان امور مالیاتی کشور، <http://azmoon.intavat.ir/pdf/Ads.pdf>

۵۳. سازمان سما وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی؛

<http://jazb1.sazman-sama.com/Register.aspx?AspxAutoDetectCookieSupport=1>

۵۴. آگهی استخدام شرکت های پتروشیمی مستقر در عسلویه، ۱۸ آذر ۱۳۹۱.

<http://sainar.net/oil/%D8%A2%DA%AF%D987%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D985-%D8%AF%D8%B1-%D985%D982%D8%A7%D8%B7%D8%B9-%D985%D8%AE%D8%AA%D984%D981-%D8%AA%D8%AD%D8%B5%D98%A%D984%D98%A-%D8%AF%D8%B1-%D8%B4/>

۵۵. آگهی استخدام شرکت مدیریت طرحهای صنعتی ایران، <http://www.estekhdamnews.com/post/3138#>

۵۶. آگهی استخدام ایران خودرو، <http://recruitment.ikco.com/abscond.aspx>

۵. تبعیض علیه زنان

۵.۱ قوانین حاکم بر اشتغال زنان

علاوه بر قانون مدنی (ماده ۱۱۱۷) که به شوهر اختیار می دهد همسرش را از اشتغال منع کند، قوانین دیگری نیز به طور مشخص به اشتغال زنان مربوط می شوند. تمام این قوانین و مقررات در اساس بر نقش زنان به عنوان مادر و همسر تاکید می کنند و نقش اجتماعی آنها را کم اهمیت جلوه می دهند؛ بر تفاوت های جسمانی و تفاوت های مشخص با مردان در مورد تولید مثل بیش از اندازه تاکید می ورزند؛ انگیزه هایی برای تشویق زنان ارایه می کنند تا از مشارکت آنها در اقتصاد و زندگی اجتماعی بکاهند و آنها را در خانه نگه دارند.

الف) قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان

مجلس شورای اسلامی قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان را در آذر ۱۳۶۲ در مورد زنان شاغل در نهادهای دولتی به تصویب رسانید. قانون نحوه اجرای این قانون در فروردین ۱۳۶۴ به تصویب رسید. اصل قانون از آن پس چند بار اصلاح شده است که آخرین بار آن در سال ۱۳۸۹ بود.^{۵۷} اما مفاد اساسی آن تغییری نکرده است. این قانون، همان طور که از عنوان آن برمی آید، به زنان اجازه می دهد برای کار نیمه وقت درخواست بدهند. یکی از اصلاحات این قانون کار به مدت سه چهارم تمام وقت را مجاز کرده است. آخرین اصلاح در سال ۱۳۸۹ بهره گیری از مقررات آن را برای زنان دارای کودکان معلول آسان تر کرد.

ب) مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی^{۵۸} چندین مصوبه گذرانده که بر شرایط اشتغال زنان تاثیر می گذارند: (۱) «سیاست های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» (مرداد ۱۳۷۱)؛ (۲) «منشور حقوق و مسئولیت های زنان در جمهوری اسلامی ایران» (شهریور ۱۳۸۳) و (۳) «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضانات راهبردی کشور» (فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱).

۱) سیاست های اشتغال زنان

سیاست های اشتغال زنان^{۵۹} با «تأکید مجدد بر نقش زن در خانواده به عنوان شغل اصلی و ضرورت اشتغال مفید و موثر وی در این نهاد مقدس»، به «قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه» توجه دارند. این سیاست ها مشاغل را در چهار ردیف الف، ب، ج و د طبقه بندی می کنند و دستور می دهند که اشتغال زنان در اصل باید «در ردیف های الف و ب مشاغل در نظر گرفته شود و در خصوص ردیف ج، زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض شغل مطلوب خود را به دست آورند.» زنان از اشتغال به کار در مشاغل ردیف د منع شده اند.

۵۷. قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان، وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۰ آذر ۱۳۶۲.

http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90820 و اصلاحات بعدی آن،

http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92837; http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91056; http://rc.majlis.ir/fa/law/show/782104

۵۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی جانشین ستاد انقلاب فرهنگی است که در خرداد ۱۳۵۹ به دستور آیت الله خمینی به منظور اسلامی کردن دانشگاه ها و دروس آنها تشکیل شد. آیت الله خمینی در آذر ۱۳۶۳ این ستاد را گسترش و عنوان آن را به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر داد. گرچه این شورا نهادی مغایر با قانون اساسی بوده و هست، مصوبه های آن در عمل قانون محسوب می شوند. روسای سه قوه حکومت از اعضای این شورا هستند.

۵۹. وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۲۰ مرداد ۱۳۷۱، http://rc.majlis.ir/fa/law/show/100171

ردیف های مشاغل مجاز و ممنوع برای زنان

«الف: مشاغلی که پرداختن بدان از سوی زنان مطلوب شارع است مانند مامایی و رشته‌هایی از پزشکی و تدریس

«ب: مشاغلی که با ویژگیهای بانوان از لحاظ روحی و جسمی متناسب است، مانند علوم آزمایشگاهی، مهندسی الکترونیک، داروسازی، مددکاری، مترجمی

«ج: مشاغلی که هیچ گونه مزیت و برتری در آن برای شاغلان زن و مرد وجود ندارد و یا انتخاب آن به صورت طبیعی صورت می‌گیرد و ملاک آن تخصص و تجربه است نه جنسیت (کارگری ساده در سایر رشته‌های فنی و خدماتی)

«د: مشاغلی که یا به دلیل منع شرعی یا شرایط خشن کار و یا به دلیل ارزشهای اعتقادی (فرهنگی و اجتماعی) برای بانوان نامناسب است مانند قضا و آتش‌نشانی»^{۶۰}

این سیاست‌ها در عین حال بر تخصیص تسهیلات متناسب با «شغل مادرانه» از قبیل استفاده از مرخصی با حقوق تقلیل ساعت کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت و غیره تاکید دارند.

۲) منشور حقوق و مسؤلیت های زنان

این منشور^{۶۱} شامل یک رشته از اظهارات و توصیه های نامشخص است که اساس قوانین و مقررات دیگر را تشکیل می دهند.

۳) راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری

در چند سال گذشته، مسئولان ارشد ایران به این نتیجه رسیده اند که ادامه سیاست کنترل جمعیت دهه های پیش اشتباه است. آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، که چند بار به این مساله پرداخته است، در مرداد ۱۳۹۱ اعلام کرد:

«مسئولین کشور... از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم.»^{۶۲}

این تغییر جهت به معنای آن است که خروج زنان از بازار کار بیشتر شود تا بچه های بیشتری به دنیا آورند. در نتیجه، «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»^{۶۳} در سال ۱۳۹۱ تهیه و تنظیم شد تا به تغییر سیاست کنترل جمعیت رهبری جمهوری اسلامی ایران تحقق ببخشد.

۶۰. سیاست های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵

۶۱. وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show>؛ ۱۰۱۱۷۱؛ مجلس در بهمن ۱۳۸۵ قانون حمایت از حقوق و مسؤلیتهای زنان در عرصه های داخلی و بین المللی را در تایید این منشور به تصویب رسانید: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97862>

۶۲. جمعیت ۱۵۰ میلیونی را اولین بار امام مطرح کردند، خبرگزاری فارس، ۴ مرداد ۱۳۹۱، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nm=13910504000912>

۶۳. وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۲ خرداد ۱۳۹۱، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/820224>

علاوه بر خواست الغای سیاست های کنترل مولید و دستیابی به میزان باروری مناسب، این «راهبردها» بر نیاز به

«... [تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل تر نقش مادری و همسری» تاکید دارند. ۶۴

بر این اساس، در مشاغل زنان باید به تناسب مسئولیت های آنان در خانواده (همسر و مادر) تنوع ایجاد شود. «راهبردها» در عین حال انگیزه ها و مزایای مادی به ظاهر جذابی مثل «مرخصی استعلاجی زایمان... در مجموع ۱۰ سال برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی» و «دو برابر شدن حق عائله مندی» نیز در پیش می گذارند تا زنان را به خروج از کار و ورود در خانه داری ترغیب کنند. این گونه مزایا در اختیار مردانی که مایل به پرورش کودکانشان هستند قرار نمی گیرد.

۵.۲ برنامه های دولت برای کاهش اشتغال زنان

دولت چندین طرح را در دست گرفته است که تعداد زنان شاغل را کاهش می دهد. این طرح ها از این قرار هستند:

(۱) کار از راه دور

عنوان اولین طرح «تسهیل کار از راه دور» است که امکان یک روز کار در هفته را برای تمام زنان کارمند دولت فراهم می کند. دولت آیین نامه ای برای این طرح تنظیم کرده که بر اساس آن «افراد معلول و زنان باردار یا دارای فرزند کمتر از شش سال از اولویت برخوردار خواهند بود.» مقاله ای در وبسایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طرح را این گونه توضیح می دهد:

«رییس جمهور معتقد است کار زنان و مردان نباید به صورت یکسان تعریف شود. اعضای هیئت دولت دهم رسماً تاکید می کنند که در برنامه ریزی های اقتصادی نباید به زنان به مثابه یک نیروی کار الزامی نگریسته شود.»^{۶۵} (تاکید از ماست)

(۲) کاهش ساعات کار

دومین طرح دولت «کاهش ساعات کار زنان» دارای کودکان معلول یا کوچک، از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت در هفته است. مسئولان مختلف این طرح را در چارچوب سیاست رشد جمعیت مطرح کرده اند. مریم مجتهدزاده، رییس مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، در سخنانی در باره کاهش ساعات کاری مادران دارای فرزند معلول و یا زیرهفت سال، اظهار کرد:

«مصوباتی را شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تشویق فرزند آوری دارد.»^{۶۶}

۶۴. منبع پیش گفته، «استراتژی ها»، ماده ۲، بند ۳

۶۵. نقد دولت بر دورکاری زنان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بی تاریخ. <http://www.mcls.gov.ir/fa/kar/doorkari/zanan>
۶۶. لایحه کاهش ساعت کاری بانوان همچنان در دستور کار دولت است، ایلنا، ۹ مهر ۱۳۹۱. <http://ilna.ir/news/news.cfm?id=8052.1391>

مراد هاشم زهی، نماینده مجلس، نیز این طرح را در چارچوب لایحه ای که دولت برای افزایش جمعیت به مجلس ارائه کرده، توضیح داد:

«جمعیت کشور به سوی پیری می‌رود... نرخ رشد جمعیت نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و به ۱.۲ درصد رسیده... برنامه‌ریزی باید به صورتی باشد [که] فشارهای گوناگون [بر] زنان کارمند کاسته شود؛ از این‌رو ساعت کاری [زنان] در تمام دستگاه‌ها یکسان کاهش یابد.»^{۶۷}

۳) کار پاره وقت

طرح سوم بر اساس قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان (۱۳۶۲) تنظیم شده است.^{۶۸} دولت اخیراً می‌کوشد آن قانون را احیا و ترویج کند. بر اساس این قانون، زمان کار و دستمزد و مزایای زنان نصف می‌شود. هاجر تحریری نیک، معاون معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری، به این ترتیب زنان را تشویق کرد بر اساس این قانون درخواست اشتغال نیمه وقت کنند:

«از زنان کارمندی که شغل تمام وقت سبب آسیب رسیدن به زندگی شخصی شان می‌شود، خواسته شده تا بدون نگرانی، برای انجام کار به صورت نیمه وقت یا پاره وقت درخواست دهند.»^{۶۹}

اما از اظهارات معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، در اسفند ۱۳۹۰، روشن بود که این سیاست‌ها را دولت‌مردان به اجرا خواهند گذاشت و زنان حق انتخاب آزادانه ندارند. به گفته او بر اساس طرح دولت مقرر خواهد شد:

«به جای استخدام یک زن، در واقع دو زن به صورت نیمه وقت استخدام شوند... و دریافتی و حق بازنشستگی و مزایای آنها نیز به صورت نیمه باشد.»^{۷۰}

۵,۳ شرایط کار زنان

بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ که مرکز آمار ایران منتشر کرده، زنان ۴۹/۶٪ از ۷۵/۱۵ میلیون جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، یعنی در حدود ۳۷/۵ میلیون نفر. تعداد زنان بالاتر از ۱۰ سال در حدود ۳۲ میلیون نفر است. در سال ۱۳۸۹، ۳۸/۳٪ از کل جمعیت مرد و زن در رده سنی بالاتر از ۱۰ سال - برابر با حدود ۲۴/۳ میلیون - از لحاظ اقتصادی فعال بود، اما مردان ۶۲/۱٪ از مجموع و زنان تنها ۱۴/۱٪ از مجموع را تشکیل می‌دادند. این نسبت‌ها در سال ۱۳۹۰ کاهش بیشتری یافت: ۱۲/۶٪ زنان در مقایسه با ۶۰/۷٪ مردان.^{۷۱} سهم زنان از اشتغال در بخش صنعتی بسیار پایین‌تر است: ۸/۵٪ مجموع کل.^{۷۲}

۶۷. نبود تبعیض در کاهش ساعت کاری زنان، خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۱۸ شهریور ۱۳۹۱، <http://www.icana.ir/NewsPage.aspx?NewsID=205672>

۶۸. نگاه کنید به بخش: قوانین حاکم بر اشتغال زنان

۶۹. کارمندان زن از کار نیمه وقت استقبال کنند، خبرگزاری فارس، ۲۹ فروردین ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910126001518>

۷۰. ارائه طرح استخدام نیمه وقت کارمندان زن، بازار کار، ۱۶ اسفند ۱۳۹۰، <http://www.bazarekar.ir/UploadedFiles/MagazineFiles/d643b488125c4ae.pdf>

۷۱. نرخ مشارکت اقتصادی مردان در ایران ۴/۸ برابر زنان است، گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از مرکز آمار ایران، ۲۹ فروردین ۱۳۹۱؛ در اینجا: http://www.jobportal.ir/s1/?ID=15_3_1626

۷۲. سهم زنان از اشتغال صنعتی ۸/۵ درصد است، گزارش خبرگزاری ایلنا، ۶ اسفند ۱۳۹۰، http://www.jobportal.ir/s3/Default.aspx?ID=9_3_647_3_1619

بیکاری در میان زنان بیش از دو برابر مردان

از طرف دیگر، میزان بیکاری در میان زنان به طور بی تناسبی بالا است. گزارش دولت ایران به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، اطلاعات زیر را در باره بیکاری زنان ارائه کرده است:

میزان بیکاری زنان در حدود ۲/۲ برابر مردان است.^{۷۳}

بنا به همان گزارش، آمار بیکاری در میان مردان و زنان به این ترتیب بود: ۹/۳٪ و ۱۵/۳۸٪ در سال ۱۳۸۴؛ ۱۰٪ و ۱۶/۱۶،۲۲٪ در سال ۱۳۸۵؛ ۹/۳٪ و ۱۵/۸٪ در سال ۱۳۸۶.^{۷۴}

این روند افزایشی پس از آن نیز ادامه داشته است. ارقام کلی شامل تمام گروه های سنی نشان می دهد که شکاف بین مردان و زنان بیکار به شدت گسترش یافته است: ۱۰/۸٪ برای مردان و ۱۶/۸٪ برای زنان در سال ۱۳۸۸؛ ۱۱/۹٪ برای مردان و ۲۰/۵٪ برای زنان در سال ۱۳۸۹؛ ۱۰/۵٪ برای مردان و ۲۰/۹٪ برای زنان در سال ۱۳۹۰؛ ۱۰/۴٪ برای مردان و ۲۲/۱٪ برای زنان در سال ۱۳۹۱.

میزان بیکاری به ویژه در میان زنان جوان در رده سنی ۱۵-۲۴ زیاد است: ۳۲/۴٪ (۱۳۸۸)، ۴۱/۳٪ (۱۳۸۹)، ۴۲/۷٪ (۱۳۹۱) و ۴۳/۸٪ (۱۳۹۱).^{۷۵} همچنین میزان بالای بیکاری به ویژه در میان زنان دارای آموزش عالی قابل مشاهده است: ۴۸/۱٪ در مقایسه با ۱۴/۷٪ برای مردان در سال ۱۳۹۱.^{۷۶}

تبعیض علیه زنان در عمل

تبعیض علیه زنان واقعیتی است که حتا جناح های طرفدار حکومت مثل خانه کارگر^۱ تایید می کنند. در سخنانی در همایش «اتحادیه سراسری زنان کارگر» که یک تشکیلات طرفدار حکومت است، سهیلا جلودارزاده، رییس این اتحادیه و نماینده پیشین مجلس و از اعضای خانه کارگر، به "تبعیض جنسیتی" به صراحت اشاره نکرد، اما مجموعه ای از مشکلات و درخواست های زنان کارگر را^{۷۷} مطرح کرد که معنای دیگری جز آن ندارند، از جمله:

- «جلوگیری از اخراج بی رویه زنان کارگر؛
- لغو عقد قراردادهای پیمانی و موقت و سفید امضاء؛
- جلوگیری از تفاوت دستمزد بین کارگران زن و مرد؛
- ایجاد امنیت شغلی برای زنان؛
- جلوگیری از تبعیض در ارتقاء شغلی؛
- استخدام زنان سرپرست خانوار؛
- جلوگیری از استثمار کارگران زن مجرد
- حمایت از زنان در تشکلهای کارگری و شوراها برای دریافت امتیازات بیشتر و مناسب؛
- اجرای مجدد قانون باننشستگی زنان»^{۷۸}

۷۳. گزارش دولت جمهوری اسلامی ایران به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، E/C.12/IRN/2، ۳ نوامبر ۲۰۰۹؛ بند ۹ تا ۹، ۱۰، ۹.

۷۴. همانجا، بند ۵-۵؛ به نقل از جدول سهم بیکاری در هر بخش

۷۵. بیکاری زنان ۲ برابر مردان، مهر نیوز، ۱۴ آبان ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.mehnews.com/detail/News/1734300> یا اینجا: <http://www.salamatnews.com/ViewNews.aspx?ID=59829&cat=12>

۷۶. بیش از ۴۸ درصد زنان بیکار کشور دارای تحصیلات عالی هستند، ایرنا، ۲۰ اسفند ۱۳۹۱، به نقل در: <http://khabaronline.ir/detail/281437/others/other>

۷۷. نگاه کنید به بخش: محرومیت از حقوق سندیکایی

۷۸. لغو عقد قراردادهای پیمانی، موقت و سفید امضاء، سلامت نیوز، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۱، <http://www.salamatnews.com/viewNews.aspx?ID=46911&cat=9>

گرایش رو به رشدی نه تنها برای جداسازی مردان و زنان بلکه منع یا اخراج منشی زن در اداره های دولتی وجود دارد. استاندار بوشهر در جنوب ایران، محمد حسین جهانبخش، در فروردین ۱۳۹۱ به صراحت گفت که طرح تفکیک تا پایان فروردین ماه در همه دستگاه های اجرایی استان بوشهر باید اجرا شود و هیچ دستگاهی نباید منشی زن داشته باشد.^{۷۹}

آمار در باره نابرابری دستمزدهای زنان و مردان به طور رسمی منتشر نمی شود. ارقام غیررسمی شکاف گسترده ای را بین مزدهای پرداختی به زنان و مردان نشان می دهند. پژوهش های تطبیقی نشان می دهند که زنان برای کار برابر با مردان نیمی از دستمزد آنها را دریافت می کنند.^{۸۰} کارگران زن اولین گروهی هستند که در صورت بروز مشکلات اقتصادی در شرکتها اخراج می شوند. به گفته اکبر شوکت، عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران کشور، کارکنان زن اغلب در صورت ازدواج اخراج می شوند، زیرا از حق مرخصی پس از زایمان برخوردار هستند.^{۸۱}

همان طور که پیشتر ملاحظه شد، درصد بزرگی از زنان کارگر- بنا به برآوردها بیش از ۷۰٪ - ناچار هستند «قراردادهای سفید امضا» را بپذیرند و در نتیجه از حقوق قانونی خود محروم می شوند.^{۸۲} در مقایسه ۳۰٪ از کارگران مرد قرارداد سفید امضا منعقد می کنند.^{۸۳} زنان اغلب در کارگاه های کوچک با کارکنان کمتر از ۵ یا ۱۰ نفر شاغل هستند. همان طور که پیشتر خاطر نشان شد، قانون کارگاه های کمتر از ۵ نفر را از بیمه اجباری کارگران معاف کرده است و در مورد کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر، معافیت آنها از بعضی از مقررات قانون کار، کارگران را از بخش قابل توجهی از حقوقشان محروم کرده است.



زنان کارگر
منبع عکس: خبرگزاری فارس

۷۹. هیچ دستگاهی نباید منشی زن داشته باشد؛ ۲۰ فروردین ۱۳۹۱؛ افکار نیوز، <http://www.afkarnews.ir/vdcgtn9y.ak9nt4prra.html>

۸۰. تبعیض و خشونت در زندگی روزمره زنان کارگر، خبرگزاری نیمه رسمی ایسنا، ۱۹ فروردین ۱۳۹۱، به نقل در رادیو دوبچه وله: <http://www.dw.de/dw/article/0,,15859950,00.html>

۸۱. کام تلخ کارگران در روزهای پایانی سال، خبرگزاری نیمه رسمی مهر، ۱۵ اسفند ۱۳۹۱، <http://www.mehrnews.com/detail/News/2011688>

۸۲. نگاه کنید به بخش: چارچوب داخلی حقوقی

۸۳. خطر موج جدید بیکاری در بنگاه های بزرگ، روزنامه شرق، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2489687>

۶. تبعیض فراگیر نسبت به حق کار

۶.۱ تبعیض به دلیل دین/منشا قومی

۱. تبعیض علیه مسلمانان شیعه

دراویش

دولتمردان ایران پیوسته از به رسمیت شناختن گروه های شیعه منتقد سر باز زده و پیروان آنها را - از جمله در امور مربوط به اشتغال - مورد آزار و تعقیب قرار داده اند.

در چند سال گذشته، تعداد زیادی از دراویش پیرو سلسله نعمت الهی گنابادی که شیعه هستند، از کار اخراج شده اند یا پروانه حرفه ای شان باطل شده است. مجذوبان نور، وبسایت این سلسله، تعداد زیادی از موارد اخراج از کار به علت وابستگی افراد به این سلسله را گزارش کرده است. چند نمونه از این موارد به شرح زیر است:

- سه معلم زن، لیدا تابان، ویدا تابان و فائزه واحدی، پس از هفت سال تدریس، در تیرماه ۱۳۸۷ در کرج و هشتگرد از کار اخراج شدند.
- سه استاد دانشگاه، به نام های دکتر نصیر احمدی، عماد مردانی و دکتر بیژن بیدآباد، در تیرماه ۱۳۸۷ اخراج شدند. یک استاد حقوق به نام احسان الله حیدری در فروردین ۱۳۹۰ در خرم آباد اخراج شد.
- در هنگام نگارش این گزارش در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۲، چهار وکیل دراویش در بازداشت به سر می بردند. فرشید یداللهی، مصطفی دانشجو، امید بهروزی و امیر اسلامی که در موارد مختلف از دراویش دفاع کرده اند، از شهریور ۱۳۹۰ بدون محاکمه در حبس هستند. سه نفر اول در تیر ۱۳۸۷ از اشتغال به وکالت محروم شدند.
- اسماعیل لنگرودی و سعید رضا کمال، دو تن از مدیران شرکت خودروسازی زامیاد، در آبان ۱۳۹۰ پس از این که حاضر نشدن اعتقاد خود را انکار کنند، با اعمال نفوذ وزارت اطلاعات از کار اخراج شدند.

اهل حق

پیروان آیین علوی یارسان (اهل حق) که شیعه هستند و اغلب در استان های کردستان و آذربایجان در غرب ایران زندگی می کنند با آزار مشابهی روبرو هستند. تعدادی از پیروان این آیین به خاطر اعتقاداتشان از کار اخراج شده اند:

- علی نظری جلالوند، دبیر مدارس صحنه و کرمانشاه به مدت ۱۰ سال و نویسنده کتاب هایی در باره آیین اهل حق، پس از چند بار بازجویی بر اساس نامه رسمی هسته گزینش آموزش و پرورش کرمانشاه در غرب ایران در بهمن ماه ۱۳۹۰ از کار اخراج شد. گویا دو روز پس از اخراج به او ابلاغ شده است که در صورت دست کشیدن از اعتقاد به دین یاری و گرویدن به دین اسلام (شیعه) می تواند به کار بازگردد.^{۸۴}

۸۴. محرومیت یک معلم به دلیل اعتقادات مذهبی از تدریس، خبرگزاری فعالان حقوق بشر در ایران، ۱ اسفند ۱۳۹۰، <http://hra-news.org/1389.html>

۲. تبعیض علیه مسلمانان اهل سنت و اقلیت های قومی

جوامع قومی ایران، از جمله کردها، بلوچ ها، ترکمن ها، و بعضی از عرب ها، اکثریت بزرگی از مسلمانان اهل سنت را تشکیل می دهند. آنها در ۱۶ استان از ۳۱ استان ایران زندگی می کنند و بنا بر برآوردها بین ۲۰-۱۰ درصد از کل جمعیت را تشکیل می دهند.^{۸۵}

با وجود جمعیت زیاد و اعتقاد اسلامی، و با وجود مقررات اصل ۱۲ قانون اساسی که تنها غیرمسلمانان را مورد تبعیض قرار می دهد، مسلمانان اهل سنت نیز، دست کم در زمینه انتصاب به پست های دولتی، فشار تبعیض را متحمل شده اند. در نتیجه، بر اساس "قانونی نانوشته"، از سال ۱۳۵۷ تاکنون حتی یک وزیر، معاون وزیر یا استاندار اهل سنت در ایران وجود نداشته است. مولانا عبدالحمید که بالاترین مقام دینی مسلمانان اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران است، در آبان ۱۳۹۰ به توضیح و تاکید بر این موضوع پرداخت:

«در طول ۳۳ سال انقلاب، اهل سنت در کابینه هیچ دولتی حضور نداشته اند. هیچ مسئولیت و مدیریت کشوری به آنان واگذار نشده و به هیچ یک از نمایندگی ها و سفارتخانه های جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر راه نیافته اند، و در مدیریتهای منطقه ای و استانی بطور مساوی و عادلانه بکار گرفته نشده اند. به طور مثال، در دانشگاه زاهدان از حدود ۴۰۰ نفر عضو هیات علمی کمتر از ۱۵ نفر آنان اهل سنت هستند و با اینکه اهل سنت در استان اکثریت جمعیت را دارا هستند، در شورای تامین استان حتی یک نفر از اهل سنت حضور ندارد. در شورای اداری استان نیز تعداد مدیران اهل سنت بسیار کم و انگشت شمار هستند.»^{۸۶}

علاوه بر محرومیت از پست های دولتی، تبعیض علیه مسلمانان اهل سنت و جوامع قومی در زمینه اشتغال به علت اعتقاد دینی و/یا منشا قومی آنها، در موارد متعدد در سطوح پایین تر گزارش شده است. در اغلب قریب به اتفاق موارد، مسئولان اطلاعاتی و امنیتی نقش مهمی داشته اند. سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در گزارش سال ۱۳۸۵ خود چنین عنوان کرد:

«طرح اخراج کارکنان و بازنشسته کردن اجباری اساتید کرد و اهل سنت دانشگاه علوم پزشکی کردستان از جمله اخراج دکتر محمد نقشبندی عضو هیئت علمی دانشگاه، بازنشسته کردن جعفر مبلغی جراح عمومی، دکتر مولائی، دکتر منوچهر رشیدیان، خانم فراست اردلان، مهندس مظفر فیروز منش، خانم پروین مناسکی و هوشنگ زندی در حال اجرایی شدن است.»^{۸۷}

به علاوه:

«بیش از ۱۵۰۰ معلم و دبیر کردستانی... صرفا به دلایل عقیدتی و مذهبی... مورد تصفیه و پاکسازی دستگاههای امنیتی و گزینشی جمهوری اسلامی قرار گرفته و از کار برکنار شده اند. در سنندج، ۴۱ نفر از پرسنل شاغل در دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان و موسسات وابسته به دانشگاه مذکور از جمله ۱۴ زن... از کار اخراج شده اند. ۲۷ زن و مرد شاغل به اتهاماتی گوناگون از قبیل ارتباط با یک جریان مذهبی کردی در شهر سنندج از کار اخراج شده اند.»^{۸۸}

۸۵. نظر به پنهان کاری و نبود آمار قابل اتکا رسمی، محاسبه هایی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۲ بر اساس اطلاعات منتشر شده به وسیله مرکز آمار ایران، سازمان تبلیغات اسلامی و استانداری های کشور نشان می داد که آمار "رسمی" جمعیت اهل سنت تنها کمی بیش از ۵/۳ میلیون از مجموع ۶۲/۳۸ میلیون جمعیت - یعنی ۸/۵٪ - است (جمعیت اهل سنت در ایران، سنی نیوز، ۴ مرداد ۱۳۹۰، http://sunni-news.net/fa/articles.aspx?selected_article_no=16663). برآوردهای غیررسمی از جمعیت اهل سنت در همان زمان ۸/۸ میلیون از مجموع ۶۲/۴ میلیون یا به عبارتی ۱۴/۱٪ را نشان می داد (همان منبع).
مولانا عبدالحمید در نماز عید قربان در ۱۶ آبان ۱۳۹۰، برآورد بالاتری برابر با ۲۰٪ را ارائه کرد، سنی آنلاین، پایگاه رسمی اطلاع رسانی اهل سنت ایران، در اینجا: <http://www.nauandeshi.com/?p=2309>.

۸۶. همانجا

۸۷. گزارش سال ۱۳۸۵، سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، در http://serbesti.blogspot.de/2007/html.24_1385/04/

۸۸. همانجا

مکتب قرآن کردستان، که مرجعی برای مسلمانان اهل سنت در استان های گُرد نشین غرب ایران به شمار می رود، تبعیض در اشتغال علیه مسلمانان سنی را مستند کرده است. در آذر ۱۳۸۷، مکتب قرآن به اخراج یکی از رهبران خود به نام حسین هاشم پناهی از پست ریاست دفتر شعبه دادگاه در کامیاران پس از ۱۲ سال اعتراض کرد. این گزارش همچنین از «اخراج اجباری ائمه مساجد اهل سنت در شهرها و روستاها» و «ایجاد فشار و تنگنای مالی و اقتصادی برای بسیاری از [فعالان مذهبی و سیاسی] با اخراج از کارهای اداری» خبر داد.^{۸۹}

مکتب قرآن در بیانیه های دیگری در مهر ۱۳۹۱ خبر داد که در شهرهای مختلف استان «۲۵ نفر از دبیران و معلمان کرد اهل سنت» به علت داشتن ارتباط با مکتب قرآن ممنوع التدریس شده اند.^{۹۰}

۳. تبعیض علیه اقلیت غیررسمی بهایی

گمان می رود در میان اقلیت های غیررسمی،^{۹۱} آیین بهایی بیشترین تعداد پیروان را دارد. تعداد آنها در ایران در حدود ۳۰۰,۰۰۰ نفر برآورد می شود. پیروان آیین بهایی با بدترین تبعیض های ممکن در تمام زمینه های اجتماعی روبرو بوده اند. آنها اغلب از حقوق بازنشستگی خود محروم می شوند. حق ارث بردن ندارند و در صورتی که به آنها صدمه جسمی برسد یا کشته شوند، مستحق خسارت مالی نیستند. عقد ازدواج و طلاق به وسیله بهاییان و برای آنها رسمیت ندارد. آنها نمی توانند در دفاتر ازدواج و طلاق رسمی ازدواج کنند یا طلاق بگیرند.^{۹۲}

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، پیروان اقلیت بهایی از اداره های دولتی اخراج شدند و در مشاغل خصوصی به کار پرداختند. این وضع نیز، به ویژه در شهرهای کوچک، جایز شمرده نشده است. پیروان این آیین مرتب از کار منع می شوند و نهادهای دولتی از صدور پروانه کسب یا تمدید پروانه کسب آنها سر باز می زنند. حتی کارفرمایان خصوصی مسلمان به طور مداوم برای اخراج کارکنان بهایی خود زیر فشار قرار دارند.

در دوران اخیر، فشارها افزایش یافته است. در گزارشی در بهمن ماه ۱۳۹۱ آمده است:

«[باید به] دو کارخانه تولیدی "پویا نوار" و "فرزان لنز" اشاره کرد که تعطیل کردن آنها منتج به بیکاری تعداد زیادی از شهروندان بهایی و مسلمان شده است. از طرف دیگر در بسیاری موارد هرگاه فردی دوره زندانش آغاز شده به فاصله زمانی کوتاهی محل کسب وی نیز تعطیل شده است. این مورد در پیوند با سوسن تیبانیان، روفیا بیدقی، بهفر خانجانی، سیامک ایقانی و افشین ایقانی صدق می کند.»^{۹۳}

۸۹. بیانیه مکتب قرآن کردستان، ۳۰ آذر ۱۳۸۷، <http://bit.ly/11hTIK4>

۹۰. بیانیه مکتب قرآن کردستان، ۴ آبان ۱۳۹۱، <http://bit.ly/10VjP9P>

۹۱. درآویش و یارسان از جمله اقلیت های غیررسمی دیگر هستند (نگاه کنید به بخش: تبعیض علیه مسلمانان شیعه)

۹۲. در مورد دیگر جنبه های تبعیض علیه اقلیت بهایی، نگاه کنید به: رُویه پنهان ایران، تبعیض ضد اقلیت های قومی و دینی در ایران؛ پیش گفته

۹۳. بهاییان سمنان و فشار حکومت ایران، رادیو زمانه، ۴ بهمن ۱۳۹۱؛

<http://radiozamaneh.com/society/humanrights/201323891/23/01/>

بنا به گزارشی در بهمن ۱۳۹۱، مدیر یک شرکت در مالکیت بهاییان در اصفهان احضار شده و از او خواسته شد فهرست کارکنان خود با ذکر دین آنها را تحویل دهد و یک شرکت با مالکیت بهاییان در تهران که پخش کننده لوازم بهداشتی است در سال ۱۳۹۱ با شتاب تعطیل شده و ۷۰ تن کارکنان آن بیکار شده اند. در سمنان مسئولان تمام مغازه های متعلق به بهاییان به جز یکی را تعطیل و مهروموم کرده اند.^{۹۴}



منبع عکس: بهار نیوز

۹۴. حقوق بشر در ایران و مصر، خبرگزاری جهانی بهایی، ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، <http://news.bahai.org/human-rights/iran/iran-update>

۶،۲ تبعیض به خاطر عقیده سیاسی

روال نظام مندی از تبعیض در زمینه حق کار علیه فعالان سندیکایی مستقل، فعالان حقوق بشر، مخالفان و منتقدان دولت و حتا اعضای خانواده آنها برقرار است. کارگران، وکلای دادگستری و روزنامه نگاران به ویژه از این تبعیض در رنج بوده اند. دولتمردان علاوه بر محکوم کردن آنها به زندان، به طور منظم آنها را از کار در سازمان های دولتی اخراج کرده یا ترتیب اخراج آنها را از شرکت های خصوصی داده اند. تعدادی از وکلای دادگستری و روزنامه نگاران حکم های محرومیت از اشتغال به حرفه خود به مدت های طولانی دریافت کرده اند.

در این گزارش کوشیده ایم این گونه موارد را مستند کنیم، اما باید خاطرنشان کرد که اطلاعات زیر به هیچ وجه کامل نیست.

۱. وکلای حقوق بشری محروم از اشتغال به حرفه

در حدود ۱۰ وکیل دادگستری به علت فعالیت حقوق بشری یا فعالیت حرفه ای خود در زندان به سر می برند. علاوه بر چهار وکیل دادگستری صوفی که به علت شرکت در دفاع از هم مسلکان خود مورد آزار قرار دارند،^{۹۵} محمد سیف زاده و جاوید هوتن کیان، به ترتیب محکومیت های هشت و شش سال زندان را می گذرانند. باوجوداین، حداقل سه وکیل حقوق بشری دیگر نیز به خاطر فعالیت های حقوق بشری و حرفه ای هم حکم زندان و هم حکم محرومیت از اشتغال به حرفه و کالت - محرومیت از حق کار - دریافت کرده اند.

- نسرین ستوده، گیرنده جایزه آزادی اندیشه ساخاروف در سال ۲۰۱۲ که حکم شش سال زندان را می گذراند، علاوه بر زندان به ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه محکوم شده است.
- عبدالفتاح سلطانی حکم ۱۳ سال زندان خود را سپری می کند و به علاوه به ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه محکوم شده است.
- محمد علی دادخواه حکم ۹ سال زندان خود را سپری می کند و به علاوه به ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه و تدریس در دانشگاه محکوم شده است.

۲. روزنامه نگاران محروم از حق کار

تعدادی از روزنامه نگاران، به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، به زندان و مدت های طولانی محرومیت از اشتغال به حرفه شان محکوم شده اند. چند نمونه از موارد شاخص از این قرار است:

- احمد زیدآبادی؛ شش سال زندان؛ محرومیت از اشتغال به حرفه تا پایان عمر؛
- کیوان صمیمی بهبهانی؛ شش سال زندان؛ ۱۵ سال محرومیت از اشتغال به حرفه؛
- عیسی سحرخیز؛ در مجموع ۴/۵ سال زندان؛ ۵ سال محرومیت از اشتغال به حرفه؛
- ژیلای بنی یعقوب؛ یک سال زندان؛ ۳۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه؛
- مصطفی بادکوبه ای هزاوه ای؛ روزنامه نگار و شاعر؛ ۱۸ ماه زندان؛ ۵ سال محرومیت از سرودن شعر؛
- مهدی تاجیک؛ دو سال زندان؛ ۱۵ سال محرومیت از اشتغال به حرفه.

۹۵. نگاه کنید به بخش: درآویش

۹۶. این کانون به وسیله شیرین عبادی، گیرنده جایزه صلح نوبل و چند تن از وکلای حقوق بشری تاسیس شد. ۴ عضو از جمله سه نفر از موسسان این کانون اکنون در زندان به سر می برند.

۳. تبعیض در کار علیه فعالان و خویشاوندان آنها

حکومت علاوه بر این که فعالان حقوق بشری و منتقدان و مخالفان را به خاطر عقاید و استفاده مسالمت آمیز از حقوقشان به روش های مختلف مورد آزار قرار می دهد و به اتهام های مبهم و غیرواقعی آنها را در محاکمه های ناعادلانه به زندان و محرومیت از اشتغال محکوم می کند، اعضای خانواده آنها را هم به خاطر خویشاوندی با این فعالان مجازات می کند. نمونه های زیر تنها چند مورد شناخته شده از موارد متعدد است.

- نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر ۹۶، که به شش سال زندان محکوم شده، در سال ۱۳۸۸ از شغل خود در یک شرکت بازرسی مهندسی اخراج شد. او در نامه ای به ریاست جمهوری احمدی نژاد نوشت:

«مدیر عامل شرکت اعلام کردند که از من خواسته شده تا شما را اخراج کنم و من شرعا و اخلاقا دلیل خواستم که از بالا گفتند تشخیص این قضیه با آنهاست. ایشان از من خواستند به عنوان آخرین فرصت با ماموران صحبت کنم تا از اخراجم صرف نظر نمایند و به صراحت با جانبداری از من خواستند که از فعالیت هایم دست بردارم و خوب البته من هم نظراتم را گفتم و ایشان گفتند که موظف به اخراج من هستم.»^{۹۷}

- منصوره بهکیش، فعال حقوق بشر و از حامیان مادران پارک لاله (مادران عزادار) و وبلاگ نگار، شش عضو خانواده اش را در اعدام ها و کشتارهای زندان در دهه ۱۳۶۰ از دست داده است. او به خاطر اصرار بر حق رفتن بر سر گورهای دسته جمعی فشار زیادی را متحمل شده، به ۴ سال زندان^{۹۸} محکوم و در سال ۱۳۸۸ از کار اخراج شده است.

در اقدام دیگری برای افزایش فشار بر او، مسئولان حتا از ادامه تحصیل پسر او در رشته خلبانی جلوگیری کردند.

- مریم شربتدارقدس، همسر یک فعال سیاسی، پس از ۱۹ سال کار در یکی از اداره های وزارت آموزش و پرورش در شهریور ۱۳۹۱ اخراج شد.^{۹۹} همسر او، فیض الله عرب سرخی، معاون وزیر پیشین و فعال سیاسی، از سال ۱۳۸۸ حکم پنج سال زندان خود را می گذراند.

- زهرا موسوی، مدرس دانشگاه، در سال ۱۳۹۱ اخراج شد. او دختر میر حسین موسوی، نامزد پیشین انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ است که از بهمن ۱۳۸۹ به همراه همسرش زهرا رهنورد در حبس خودسرانه خانگی بوده است.^{۱۰۰}

۹۶. این کانون به وسیله شیرین عبادی، گیرنده جایزه صلح نوبل و چند تن از وکلای حقوق بشری تاسیس شد. ۴ عضو از جمله سه نفر از موسسان این کانون اکنون در زندان به سر می برند.

۹۷. نامه نرگس محمدی به محمود احمدی نژاد، ۹ آذر ۱۳۸۸؛ در وبگاه کانون مدافعان حقوق بشر، <http://www.humanrights-ir.org/php/view.php?objnr=326>

۹۸. ۲/۵ سال تعلیقی و شش ماه تعزیری

۹۹. اخراج به دلیل وابستگی خانوادگی به فعالان سیاسی، رادیو دویچه وله، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ (۵ مهر ۱۳۹۱)؛ در اینجا: <http://bit.ly/11hTO4p>

۱۰۰. دستش را بالا برد و گفت چنان می زخم توی دهانت که دندان هایت بریزد، وبگاه کلمه، ۲۶ بهمن ۱۳۹۱، <http://www.kalame.com/139126/11//klm-133480/>

۷. محرومیت از حقوق سندیکایی

۷,۱ کنترل شدید دولتی بر تشکل های کارگری

بر اساس مقررات قانون کار، کارگران می توانند فقط انجمن های صنفی را به یکی از سه روش زیر در واحدهای اقتصادی تشکیل دهند: الف) شورای اسلامی کار؛ ب) انجمن صنفی؛ و ج) نماینده کارگران.^{۱۰۱} دولت به شدت این سه نوع نمایندگی مجاز را کنترل و در آنها مداخله می کند و کارگران حق پیوستن به تشکیلات دلخواه یا ایجاد تشکیلات مورد انتخاب خود را ندارند.

الف) شوراهای اسلامی کار

قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار^{۱۰۲} (بهمن ۱۳۶۳) در ماده ۱ هدف از تشکیل این شوراهای را «تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور» واحد عنوان کرده است. بر اساس همین ماده، این شوراهای «در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدمات مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان به انتخاب مجمع عمومی و نماینده مدیریت تشکیل» می شوند (تاکید از ماست).

گرچه قانون کار، شورای اسلامی کار را یک تشکیلات کارگری توصیف کرده است، قانون شوراهای اسلامی کار با عضویت تمام کارکنان (از جمله کارمندان اداری و مدیریتی) و نماینده مدیریت در شورا این ادعا را بی پایه کرده است.

تبعیض و مداخله در شوراهای اسلامی کار

بر اساس ماده ۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، نامزدهای انتخابات در این شوراهای در صورت «اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی... [و] عدم گرایش به احزاب و سازمانها و گروههای غیر قانونی و گروههای مخالف جمهوری اسلامی» می توانند انتخاب شوند.^{۱۰۳}

به علاوه بر اساس همان ماده، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی به عهده هیاتی سه نفره شامل نماینده وزارت کار، نماینده وزارتخانه مربوطه و نماینده منتخب مجمع کارکنان است.

شوراهای اسلامی کار علیه بخش بزرگی از کارگران تبعیض قایل می شوند. مقررات قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار آشکار نشان می دهد که این شوراهای سازمان های سیاسی با گرایش خاص ایدئولوژیک طرفدار حکومت هستند. تمام کارگران منتقد قانون اساسی، تمام کارگرانی که به اسلام یا یکی از سه دین اقلیت رسمی دینی اعتقاد ندارند و تمام کارگران طرفدار گروه ها و احزاب منتقد دولت از انتخاب در شوراهای اسلامی کار محروم هستند.

۱۰۱. ماده ۱۳۱

۱۰۲. وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۳۰ دی ۱۳۶۳؛ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91022>

۱۰۳. پیروان سه دین اقلیت رسمی باید به قانون اساسی وفادار باشند.

به علاوه، مداخله دولت در شوراهای اسلامی کار تعیین کننده است. زیرا:

الف) صلاحیت نامزدهای انتخابات در شوراهای اسلامی کار را هیاتی تشخیص می دهد که اکثریت اعضای آن عضو دولت هستند.

ب) ماده ۱۵ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار به وزارت کار وظیفه داده در واحدهایی که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم دارند، به جز شرکت های بزرگ دولتی، به تشکیل شورای اسلامی کار اقدام نماید.
ج) در هر منطقه، هیاتی وظیفه بررسی و تشخیص انحراف شوراها از وظایف قانونی خود و انحلال آنها را به عهده دارد (ماده ۲۲). اکثریت اعضای این هیات ها غیرکارگر هستند، یعنی سه نفر از مدیران، یک نفر نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی و سه نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی کار؛ و وزارت کار این هیات ها را تشکیل می دهد (ماده ۲۳).

آیا شوراهای اسلامی کار از حقوق کارگران دفاع می کنند؟

علاوه بر ماده ۱ (نگاه کنید در بالا)، ماده ۱۳ قانون شوراهای اسلامی کار این شوراها را موظف به «ایجاد روحیه همکاری»، «همکاری با انجمن اسلامی»^{۱۰۴} در واحد، «ارائه پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه»، «همکاری با مدیریت»، «تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد»، و «بررسی شکایات کارکنان» کرده است. بر اساس ماده ۱۹، شوراهای اسلامی کار باید «نظر مشورتی خود را» در باره موضوع هایی مثل «ساعات شروع و پایان کار» و «موعد و محل و نحوه پرداخت مزد یا مزایا» و غیره به مدیریت ارائه دهند.

این مقررات آشکارا نشان می دهند که شوراهای اسلامی کار در اساس ابزار یاری رسانی به مدیریت برای اداره واحدهای اقتصادی هستند.

ب) انجمن های صنفی

آیین نامه تشکیل انجمن های صنفی کارگران و کارفرمایان در سال ۱۳۷۱ تصویب و بعدها اصلاح شد. نسخه اصلاح شده این آیین نامه که دولت در مهر ۱۳۸۹ تصویب کرد، «نصاب تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه» را ده نفر تعیین کرده و صلاحیت نامزدهای انتخابات در هیات مدیره و بازرسان انجمن صنفی را مشروط به «التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» و «عدم وابستگی به احزاب و گروه های سیاسی غیر قانونی» می کند (ماده ۹).^{۱۰۵}

«هیأت مؤسسی مرکب از حداقل سه نفر از اشخاص ذی ربط» درخواست های متقاضیان عضویت را بررسی و پیش نویس اساسنامه را تهیه می کند (ماده ۷). باوجوداین، آنها از استقلال برخوردار نیستند چون این اساسنامه باید ضوابط و مقررات تعیینی شورای عالی کار را در بگیرد و به تایید وزیر کار برسد (ماده ۱۱). اداره کار دولت بر انتخابات نظارت خواهد داشت (ماده ۱۴) که بدین ترتیب انتخابات آزاد نخواهد بود.^{۱۰۶}

وظایف انجمن های صنفی «کوشش در جهت استیفای حقوق و خواست های مشروع و قانونی اعضا»، «جلوگیری از سیاسی شدن عملکرد انجمن صنف»، «همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت بهتر مشکلات کارگری و اجرای قانون کار»، «همکاری با دستگاه های اجرایی و مراجع ذی ربط به منظور حسن

۱۰۴. نگاه کنید به بخش: انجمن های اسلامی

۱۰۵. آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن های صنفی و کانون های مربوط، موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار

مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۶ هیئت وزیران، در اینجا

<http://www.imo.org.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=3e9312da-729b-4062-acd3-66527cc0a3ba&WebPartID=c9cbcfef0-ddd7447-a-af3c-c7d5fb38b3da&ID=554d26934629--7779-bdf589-e712800f5a>

۱۰۶. حتا اگر فرض بر درستی همه چیز باشد، کارگران در شورای عالی کار در اقلیت مطلق هستند (نگاه کنید به بخش: مزد حداقل).

اجرای قوانین و مقررات مربوط به تشکل های کارگری»، «شرکت در مذاکرات حرفه ای و انعقاد پیمان های دسته جمعی با کارفرمایان یا تشکل های کارفرمایی» و «انجام سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون برعهده انجمن های صنفی قرار داده شده» است (ماده ۲۱).

این آیین نامه مشخص نمی کند که حقوق اعضای انجمن های صنفی چگونه باید تحقق یابد. همچنین مقررات آیین نامه وظیفه اصلی این انجمن ها را به طور آشکار تسهیل همکاری با مسئولان تعیین کرده است.

ج) نماینده کارگران

یکی دیگر از آیین نامه ها که بار اول در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسید و در سال ۱۳۸۷ اصلاح شد در باره انتخاب نمایندگان کارگران در مواردی است که در کارگاهی شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی وجود نداشته باشد. داوطلبان نمایندگی باید «التزام عملی به قانون اساسی» داشته و بدون «وابستگی، به احزاب و گروههای سیاسی غیر قانونی باشند» (ماده ۳). صلاحیت آنها به وسیله یک هیات سه نفره «مرکز از ... نماینده واحد کار و امور اجتماعی محل (رییس هیات)، یک نفر از کارگران با سواد و معتمد همان واحد که کاندیدای نمایندگی نباشد و نماینده کارفرمای همان واحد» تعیین خواهد شد (ماده ۵). در نتیجه کارگران در هیات تشخیص صلاحیت در اقلیت یک به دو قرار دارند.^{۱۰۷}

راه کارهای کنترل

صرفنظر از محدودیت ها و قید و بندهایی که در بالا خاطر نشان شد، قانون کار راه کارهای کنترلی شدیدتری را برای هر یک از انواع تشکیلات بالا با تشکیل کانون های عالی پیش بینی کرده است: کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران، و مجمع نمایندگان کارگران.^{۱۰۸}

این نهادهای بالاتر را دولت برای نظارت بر تشکیلات محلی تاسیس می کند و آنها به تصمیم گیری در باره تمام امور مهم در سطح کشور می پردازند و «کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران ادر مجامع و نهادی مختلف از جمله [سازمان جهانی کار را انتخاب می کنند].^{۱۰۹} بر اساس ماده ۱۳۸، «مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می توانند در هر یک از تشکلهای مذکور نماینده داشته باشند»، که باز مداخله مستقیم حکومت در این تشکیلات است.



منبع عکس: خبرگزاری فارس

۱۰۷. آیین نامه چگونگی انتخاب، عملکرد، حدود وظایف و اختیارات نمایندگان کارگران در کارگاهها، مصوب وزیر کار و امور اجتماعی، ۱۳ خرداد ۱۳۸۷، در اینجا: <http://kar-zendegi.blogfa.com/post-20.aspx>
۱۰۸. قانون کار، ماده ۱۳۶
۱۰۹. همانجا

۷.۲ تشکیلات دولتی کارگری

انجمن اسلامی کارگران

انجمن اسلامی کارگران به عنوان نگهبانان ایدئولوژیک حکومت در واحدهای اقتصادی عمل می کنند. وظیفه آنها بر اساس قانون کار «تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی»^{۱۱۰} است و وظایف آنها «برپایی نماز جماعت، تشکیل جلسات وعظ و تشکیل کلاس‌های عقیدتی» را در برمی گیرد.^{۱۱۱} شوراهای اسلامی کار نیز باید با انجمن‌های اسلامی کارگران همکاری کنند.

خانه کارگر

خانه کارگر را پس از انقلاب ۱۳۵۷ فعالان مستقل کارگری تشکیل دادند. بسیاری از این فعالان سازمان دهندگان و فعالان کمیته‌های اعتصاب در شوراهای خودانگیخته کارگری دوره پیش از انقلاب بودند. اما با اوج گیری اختناق در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، شوراهای خودانگیخته منحل و فعالان آنها دستگیر یا از کار اخراج شدند. شوراهای کارگری اسلامی شدند و شوراهای اسلامی کار جای آنها را گرفتند. همزمان، فعالان سیاسی طرفدار حکومت با پشتیبانی حزب جمهوری اسلامی که در آن زمان حاکم بود به زور خانه کارگر را تصرف و آن را به هماهنگ کننده انجمن‌های اسلامی کارگران و به ویژه شوراهای اسلامی کار تبدیل کردند.

رهبران خانه کارگر سپس وزیر و نماینده مجلس شدند و حزب کار اسلامی را تاسیس کردند. خانه کارگر پس از تصرف آن به عنوان بازدارنده سرسختی در برابر فعالان مستقل کارگری عمل کرده و مانع تلاش‌های آنها برای تشکیل سندیکاها مستقل شده است. خانه کارگر به ویژه در کوشش برای سرکوب سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه (نگاه کنید در پایین) از جمله از طریق حمله‌های فیزیکی به فعالان آن در سال ۱۳۸۴ فعال بود.

سعید ترابیان، مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد، واکنش خانه کارگر به تشکیل سندیکا را این طور شرح می دهد:

«چالش جدی ما با خانه کارگر بود... در این مدت، خانه کارگر همه حرکات ما را زیر نظر داشت: فعالان سندیکایی را شناسایی می کرد. عوامل خانه کارگر که همه چیز را از دست رفته می دیدند در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۹، ۴ روز قبل از انتخابات اعضای هیات مدیره سندیکا به محل دفتر سندیکا حمله کرده و علاوه بر ضرب و شتم اعضای حاضر در محل دفتر سندیکا، تمامی اموال سندیکا را به غارت بردند. کارگران سندیکایی از عوامل خانه کارگر به دلیل حمله شان شکایت کردند اما نه تنها به شکایت آنها رسیدگی نشد بلکه عوامل قضایی اعضای سندیکا را به عنوان متهم قلمداد کردند. چند روز پیش از برگزاری مجمع عمومی، مکان در نظر گرفته شده برای برگزاری مجمع عمومی توسط افراد ناشناس به صورت شبانه با بمب‌های دستی مورد حمله قرار گرفت.»^{۱۱۲}

۱۱۰. همانجا، ماده ۱۳۰

۱۱۱. آیین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف، اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های اسلامی کارگری، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۰، وبگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در اینجا: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/121307>

۱۱۲. جمع بندی سه ساله ی مبارزات کارگران سندیکای شرکت واحد، ۱۱ بهمن ۱۳۸۷، وبگاه عصر نو؛ در <http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=2054>

۷,۳ محدودیت های حق اعتصاب

دولت ایران در گزارش دوم ادواری خود به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حق اعتصاب به روش زیر پرداخته است:

۹۳-۲: [...] ماده ۱۴۲ قانون کار در باره حق مذاکره و پیمان دسته جمعی به طور غیرمستقیم به حق اعتصاب اشاره دارد. بر اساس این ماده، در صورتیکه اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمانهای قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگران در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیات تشخیص موظف است براساس درخواست هر یک از طرفین اختلاف و یا سازمانهای کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید. مسلماً، تعطیل دسته جمعی کار را نمی توان به چیزی جز یک اعتصاب تفسیر کرد. به علاوه، تعطیلی عمدی کار را که به منظور شغلی انجام شود می توان به عنوان یک اعتصاب محدود تفسیر کرد.^{۱۱۳}

گرچه ادعاهایی از این نوع مطرح شده اند از جمله در گزارش دولت که ماده ۱۴۲ را به عنوان اشاره غیرمستقیم به "حق اعتصاب" تفسیر می کنند، قانون کار به طور مستقیم به "حق اعتصاب" اشاره نمی کند، به علاوه، حق اعتصاب هرگز در عمل به رسمیت شناخته نشده است. قابل توجه است که گزارش دولت که در بالا نقل شد، ده ها جدول و اطلاعات مختلف در باره اشتغال، مشارکت اقتصادی، شاخص های نیروی کار و غیره را دربر می گیرد، اما برای اثبات ادعای خود حتا به یک اعتصاب در کشور اشاره نمی کند.

علاوه بر این، مقررات قانونی دیگری را می توان به عنوان "منع اعتصاب" تفسیر کرد. برای مثال، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار نظارت این شوراها را بر امور کارگاه مقرر می کند، ولی ماده ۱۳ آن تاکید می کند که «اعمال نظارت شورا نباید موجب توقف امور واحد گردد.»^{۱۱۴}

به این ترتیب، حتا حق «توقف کار» بر روی کاغذ باقی مانده و کارگرانی که کار را متوقف کرده و دست به اعتصاب زده اند یا خواهان دریافت دستمزد عقب مانده خود بوده اند به شدت به وسیله مسئولان سرکوب شده اند.

۷,۴ سرکوب خشن اتحادیه های مستقل کارگری

در سال های اخیر چندین اتحادیه مستقل به نسبت بزرگ کارگری با اعضای زیاد و تعدادی اتحادیه کوچکتر تشکیل شده و کوشیده اند منافع اعضای خود را نمایندگی کنند،^{۱۱۵} اما دولتمردان از به رسمیت شناختن آنها سر باز زده اند.

بسیاری از فعالان مستقل کارگری ترجیح می دهند "اتحادیه" یا "سندیکا"ی کارگری مستقل تشکیل بدهند، زیرا شوراهای اسلامی کار را ابزار حکومت می دانند. آنها شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی را نماینده کارگران نمی دانند و آنها را به عنوان تشکیلات مختلط تمام کارکنان، و در مورد شوراهای اسلامی کار شامل مدیریت، تلقی می کنند. باوجوداین، فعالان سندیکایی مستقل در انجمن های صنفی و نهاد "نماینده کارگران" نیز فعال بوده اند.

۱۱۳. E/C.12/IRN/2، ۳ نوامبر ۲۰۰۹

۱۱۴. وبگاه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی؛ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91022>

۱۱۵. برای موارد مشخص، نگاه کنید در پایین به بخش: اتحادیه های مستقل نوین

فعالان و رهبران این جنبش نوین مستقل سندیکایی بهای گزافی را برای فعالیت هایشان پرداخته اند. آنها از کار اخراج شده، به زندان افتاده و با شکل های دیگر آزار و اذیت، از جمله علیه اعضای خانواده شان، روبرو بوده اند. این فعالان کارگری در سطح قضایی نیز مورد آزار و تعقیب قرار گرفته اند.^{۱۱۶} ایران، شاید یکی از معدود کشورهایی باشد که در آن فعالان سندیکایی مستقل که می کوشند همکاران خود را سازمان دهی کنند با اتهام هایی مثل «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به زندان می روند.^{۱۱۷}

داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، گزارش مشروحی در باره اقدامات سرکوبگرانه علیه این سندیکا شامل اخراج اعضای آن منتشر کرده است. از سال ۱۳۸۴ که سندیکا دوباره تشکیل شد، فعالیت های سندیکایی به این نتایج انجامیده است:^{۱۱۸}

«اخراج بیش از ۳۰۰ تن از رانندگان فعال سندیکایی؛
تصمیم گیری در رابطه با اخراج اعضای اصلی سندیکا در بالاترین مقامات امنیتی کشور که رونوشت مدارکش موجود است؛
ارسال مدارک محرمانه به تمام ادارات کار استان کشور جهت جلوگیری از بازگشت به کار اعضای هیئت مدیره و اعضای اصلی سندیکا.»

فعالان سندیکایی دیگر هم که کوشیده اند در واحدهایشان سندیکای مستقل تشکیل دهند، به همین سرنوشت دچار شده اند. برای مثال، تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به خاطر فعالیت های سندیکایی از کار اخراج شده اند.^{۱۱۹}

خواست های اساسی اتحادیه های مستقل

بعضی از خواست های این جنبش نوین سندیکایی در بیانیه مشترک چهار تشکل کارگری - سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - در ۲۱ بهمن ۱۳۸۸ با عنوان «منشور مطالبات حداقلی کارگران» منتشر شد که شامل این موارد بود:

- «به رسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب؛
- برچیده شدن نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار؛
- تامین امنیت شغلی برای کارگران؛
- توقف اخراج و بیکارسازی کارگران؛
- لغو قراردادهای موقت و سفید امضا؛
- افزایش حداقل دستمزدها و پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران؛
- تدوین و تصویب قانون کار جدید با دخالت مستقیم نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران؛
- تعطیلی رسمی اول ماه مه و لغو ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز.»^{۱۲۰}

۱۱۶. همانجا

۱۱۷. فهرستی که فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران به اشتراک تهیه کرده اند تعدادی از فعالان سندیکایی قربانی آزار و تعقیب را در بر می گیرد، اما به علت گستردگی سرکوب علیه این گونه فعالان نمی توان مدعی کامل بودن آن شد؛ نگاه کنید به: ایران: فهرست مدافعان حقوق بشر در پشت میله های زندان؛ <http://www.fidh.org/Iran-List-of-human-rights-12235>

۱۱۸. نگاهی واقع بینانه به برخوردهای صورت گرفته با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، داود رضوی، وبگاه اخبار روز، ۲۲ دی ۱۳۹۱؛ <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=50292>

۱۱۹. نگاه کنید به بخش: اتحادیه های مستقل نوین

۱۲۰. راه سنگلاخ اتحادیه های کارگری؛ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱؛ رادیو زمانه؛

<http://radiozameh.com/society/humanrights/201213849/01/05/>

تعداد گروه‌هایی که در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ (اول ماه مه) بیانیه‌ای با خواست‌های مشابه منتشر کردند به ۷ و سپس به ۱۰ افزایش یافت.^{۱۲۱}

اتحادیه‌های مستقل نوین

علاوه بر سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری که در زیر معرفی می‌شوند، در شهرها و مناطق مختلف کشور گروه‌های متعدد سندیکایی دیگری وجود دارند، از جمله انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و تعدادی دیگر.

به علاوه، گروهی به نام «کانون مدافعان حقوق کارگر» وجود دارد که اعضای شناخته شده آن اغلب دانشگاهیان و فعالان روشنفکر هستند. علی‌اخوان، یکی از اعضای این کانون، از دی ۱۳۹۰ تا مرداد ۱۳۹۱ را در زندان به سر برد. فریبرز رییس دانا، عضو دیگر این کانون که عضو کانون نویسندگان ایران نیز هست، پس از بازداشتی یک ماهه در آذر ۱۳۸۹ به خاطر انتقاد از اجرای طرح یارانه‌های هدفمند، محاکمه شد و از اول خرداد ۱۳۹۱ تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۲ را در زندان به سر برد.

تاریخچه فعالیت تشکیلاتی این اتحادیه‌های نوپدیدار در زیر، آزار و سرکوب دولتی علیه فعالان سندیکایی را به نمایش می‌گذارد.

۱. سندیکای کارگران شرکت واحد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که عموماً به عنوان شرکت واحد شناخته می‌شود، در اصل در سال ۱۳۴۸ تشکیل شد ولی پس از انقلاب ۱۳۵۷ دچار سکون شد. این سندیکا در سال ۱۳۶۲ منحل شد و شورای اسلامی کار جای آن را گرفت. تعدادی از فعالان سندیکایی در دهه ۱۳۷۰ شروع به بازسازی آن کردند و این سندیکا فعالیت غیررسمی خود را در سال ۱۳۸۳ شروع کرد. فعالان آن توماری با بیش از ۹,۰۰۰ امضا از مجموع ۱۷,۰۰۰ نیروی کار آن را به دولت دادند و براساس ماده ۱۳۱ قانون کار خواهان انحلال شورای اسلامی کار و جایگزینی سندیکا به جای آن شدند، زیرا ماده ۱۳۱ تنها شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی را مجاز کرده است.

اولین مجمع عمومی سندیکا در خرداد ۱۳۸۴ برگزار شد و با وجود حضور گسترده نیروهای امنیتی و تلاش‌های آنها برای جلوگیری از انتخابات، اعضای آن هیات مدیره را انتخاب کردند. از آن پس اعضای هیات مدیره و دفتر سندیکا پیوسته مورد حمله قرار گرفته‌اند.

آزار و اذیت فعالان سندیکای شرکت واحد

در سال ۱۳۸۴، گروهی از مهاجمان سعی کردند زبان منصور اسالو (نیز مشهور به اسانلو/سانلو)، رییس وقت سندیکا را ببرند. در همان واقعه، دو عضو سندیکا مورد اصابت چاقو قرار گرفتند. باوجوداین، سندیکا به سازماندهی دو اعتصاب در دی و بهمن ۱۳۸۴ پرداخت (نگاه کنید در پایین). صدها عضو سندیکا و اعضای خانواده‌هایشان پیش از اعتصاب دستگیر شدند. اعضای سندیکا از آن پس در معرض آزار دائمی بوده‌اند. ده‌ها نفر از آنها از کار اخراج و بعضی از آنها ناگزیر از ترک ایران شده‌اند. بسیاری از آنها نیز در پیگرد ناعادلانه به زندان محکوم شده و محکومیت خود را در زندان گذرانده‌اند.^{۱۲۲}

۱۲۱. فراخوان هفت‌تکه کارگری در ایران به مناسبت روز جهانی کارگر؛ ۸ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ خبرنامه گویا <http://news.gooya.com/politics/archives/201112130/04/php>

۱۲۲. بر اساس اطلاعاتی که سعید ترابیان، عضو هیات مدیره سندیکا در «جمع بندی سه‌ساله ی مبارزات کارگران سندیکای شرکت واحد» ارائه کرده است؛ ۱۱ بهمن ۱۳۸۷، وبگاه عصر نو؛ در <http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=2054>

منصور اسالو در خرداد/تیر ۱۳۸۶ به لندن و بروکسل سفر کرد و در اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF) و کنگره بین المللی اتحادیه های کارگری سخنرانی کرد. سندیکای شرکت واحد پیش از آن به عضویت اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل درآمده بود. اما، این سفر برای خود او و همکارانش بهای گزافی در پی داشت. در بازگشت به ایران، او در تیر ۱۳۸۶ بازداشت، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت کشور» در دادگاهی ناعادلانه محاکمه و به پنج سال زندان محکوم شد که در شرایطی بسیار سخت در زندان فوق امنیتی و دورافتاده رجایی شهر آن را گذراند.

اسالو در زندان چندین بار دچار سکت قلبی و به بیمارستان منتقل شد ولی هر بار مسئولان مداوای او را متوقف کردند و او را به زندان بازگرداندند. او سرانجام در خرداد ۱۳۹۰ آزاد شد و سپس در اواخر سال ۱۳۹۱ از ایران خارج شد.

اعضای خانواده او بارها مورد حمله و آزار قرار گرفتند. عروس او پس از این که در خیابان مورد حمله قرار گرفت جنین خود را سقط کرد و برادرش، افشین اسالو، در اواخر آذر ۱۳۸۹ دستگیر شد، به شدت مورد شکنجه قرار گرفت و سپس به پنج سال زندان محکوم شد و در حال حاضر حکم خود را در زندان می گذراند.

چندین نفر از فعالان دیگر سندیکا نیز به خاطر فعالیت های سندیکایی خود بازداشت و زندانی شده اند. بسیاری از آنها با وثیقه آزاد هستند و در انتظار محاکمه به سر می برند، اما چند نفر نیز محکومیت های زندان خود را گذرانده اند. ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکا، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور محاکمه و به سه سال و شش ماه زندان محکوم شد و از آذر ۱۳۸۷ تا فروردین ۱۳۹۱ این محکومیت را گذراند.

رضا شهبابی، صندوقدار و عضو هیات مدیره سندیکا تا این تاریخ از بدترین وضعیت برخوردار بوده است. او در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۸۹ دستگیر شد و مدتی طولانی در سلول انفرادی به سر برد؛ پس از آن در محاکمه ای ناعادلانه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «تبانی علیه امنیت کشور» به شش سال زندان محکوم شد که در حال حاضر آن را سپری می کند. وضعیت سلامتی او در حبس به شدت رو به وخامت رفته است و به ویژه ستون فقرات و پشت او در اثر شکنجه و بدرفتاری های دیگر صدمه دیده است. او چندین بار برای جراحی روی گردن و پشت در بیمارستان بستری شده است.

عده زیادی از اعضای هیات مدیره و فعالان سندیکا نیز مدت های متفاوتی را در بازداشت گذرانده اند.

اعتصاب های سندیکای شرکت واحد و واکنش خشن حکومت ۱۳۳

سندیکای شرکت واحد در خرداد ۱۳۸۴ دوباره تشکیل شد. این سندیکا در ۹ شهریور ۱۳۸۴ اولین اقدام اعتراضی خود را علیه شرایط بد زندگی کارگران شرکت واحد برگزار کرد. در این اعتراض، ۸۰٪ رانندگان چراغ های اتوبوس ها را در طی روز روشن کردند. نتیجه این اعتراض، بازگشت کارگران اخراجی به کار و پرداخت دستمزدهای عقب افتاده بود. باوجوداین، پنج عضو سندیکا بازداشت شدند.

اعتصاب اول در تاریخ ۴ دی ۱۳۸۴ در اعتراض به بازداشت نه عضو سندیکا در تاریخ ۱ دی رخ داد. اما ۱۰ نفر از سازماندهندگان اعتصاب در ساعت ۴ صبح ۴ دی دستگیر شدند. ظرف چند ساعت، بیش از ۵,۰۰۰ راننده در مقابل یکی از ادارات منطقه ای شرکت واحد گرد آمدند. اعتصاب ۲۴ ساعت ادامه داشت. بازداشت شدگان پس از پنج روز آزاد شدند.

اعتصاب دوم برای روز ۱۸ بهمن ۱۳۸۴ اعلام شد. نه نفر از اعضای هیات مدیره در روز ۱۶ بهمن به وزارت اطلاعات احضار و بازجویی شدند. دستگیری ها در همان روز آغاز شد. روز ۱۸ بهمن، نیروهای امنیتی به کمک مسئولان حراست شرکت واحد تمام فعالان سندیکا و تعدادی از اعضای دیگر را دستگیر کردند. بیش از ۱,۰۰۰ عضو سندیکا از تاریخ ۱۶ تا ۲۰ بهمن بازداشت شدند. بعضی از آنها دو ماه در حبس ماندند. رییس سندیکا، منصور اسالو، تا ۱۸ خرداد ۱۳۸۵ در زندان ماند. او در تاریخ ۱ تیر ۱۳۸۶ دوباره دستگیر شد و پس از محکومیت به پنج سال زندان تا خرداد ۱۳۹۰ در زندان ماند.



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
منبع عکس: etehadiye.com

۲. سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

شرکت نیشکر هفت تپه در استان جنوبی خوزستان، در نزدیکی شهر شوش، واقع شده است. فعالان مستقل سندیکایی پس از این که سندیکای کارگران شرکت واحد تشکیل شد، سازماندهی کارگران این شرکت را آغاز کردند.

پس از چند اعتصاب موفق در سال ۱۳۸۶، بیش از ۲۵۰۰ کارگر در آبان همان سال نامه ای به اداره کار خوزستان نوشتند و خواهان انحلال شورای اسلامی کار و بازگشایی سندیکا شدند که در اصل در سال ۱۳۵۳ تشکیل شده بود. شورای تامین استان درخواست را رد کرد.

اعضای هیات بازگشایی سندیکا شامل قربان علیپور و محمد حیدری مهر بازداشت شدند و گویا مورد شکنجه قرار گرفتند و سپس با وثیقه آزاد شدند.^{۱۲۴} باوجود این، سندیکا در خرداد ۱۳۸۷ تشکیل شد و هیات موسس خود را انتخاب کرد.^{۱۲۵} این سندیکا بعداً به اتحادیه بین المللی کارگران مواد غذایی و کشاورزی (IUF) پیوست.

مسئولان سیاست آزار و تعقیب رهبران سندیکا را در پیش گرفتند و چندین عضو هیات مدیره به اتهام «تبلیغ علیه نظام» محاکمه و در آبان ۱۳۸۸ به زندان محکوم شدند. علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، قربان علیپور و محمد حیدری مهر اخراج، به یک سال زندان و سه سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی محکوم شدند. حیدری مهر چهار ماه و دیگران شش ماه در زندان ماندند.

علی نجاتی، رئیس پیشین سندیکا، بعدها بار دیگر به همان اتهام محاکمه و به یک سال زندان محکوم شد و از آبان ۱۳۹۰ این محکومیت را در زندان دزفول گذراند. پس از آزادی در شهریور ۱۳۹۱، مسئولان قضایی یک بار دیگر او را به خاطر هم آوایی در خواندن یک ترانه محلی در یک میهمانی خصوصی احضار کردند. همسر او نیز به خاطر اطلاع رسانی در باره پرونده همسرش به دادگاه احضار شد.

رضا رخشان، جانشین علی نجاتی به عنوان رئیس سندیکا، محاکمه و به شش ماه زندان محکوم شد که پس از سپری کردن آن در خرداد ۱۳۹۰ آزاد شد. او نیز از کار اخراج شده است.

۳. اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران ابتدا با عنوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در آذر ۱۳۸۵ تشکیل شد، اما نام خود را در فروردین ۱۳۸۷ تغییر داد.

اعضای موسس و فعالان این اتحادیه از زمان تشکیل آن پیوسته مورد آزار و تعقیب قرار داشته اند. دو تن از اعضای موسس آن، شیث امانی و صدیق کریمی، پس از سازماندهی تظاهرات روز اول ماه مه در سال ۱۳۸۶ بازداشت و به دو سال و نیم زندان محکوم شدند، اما پس از چند ماه در پی اعتراض های بین المللی و داخلی آزاد شدند و سپس دوباره در دی ماه ۱۳۸۹ دستگیر و باز آزاد شدند. شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا، دو فعال دیگر این اتحادیه، در اواسط دی ۱۳۸۹ دستگیر شدند و چند ماه در بازداشت ماندند. این دو سپس در فروردین ۱۳۹۲ به شش ماه زندان محکوم شدند. فرزاد احمدی، یک عضو دیگر اتحادیه، از تیر ۱۳۹۱ محکومیت چهار ماه زندان خود را گذراند.

۱۲۴. کارگران نیشکر هفت تپه، در <http://www.7twu.blogspot.de>

۱۲۵. کارگران نیشکر هفت تپه، اولین گام برای تشکیل سندیکا، رادیو فردا، ۲۹ خرداد ۱۳۸۷، http://www.radiofarda.com/content/F5_haftape_syndicate/452436.html

اتحادیه آزاد کارگران ایران به ویژه در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در راس مبارزه به خاطر افزایش مزد قرار داشته است. فعالان آن دو بار تومارهایی را با خواست اصلی افزایش دستمزد در تناسب با نرخ تورم به میزان کافی برای هزینه خانواده چهار نفری تهیه کرده اند. در مجموع ۳۰,۰۰۰ کارگر این دو تومار را ۳۰,۰۰۰ نفر امضا کرده اند و این تومارها در آذر ماه ۱۳۹۱ به مجلس تحویل داده شد. از آن پس، آنها هزاران امضای دیگر جمع آوری کرده اند. این اتحادیه در اوایل بهمن ۱۳۹۱ از استانداری تهران درخواست اجازه برای برگزاری گردهمایی کارگری در ماه بهمن در مقابل وزارت کار کرد ولی این درخواست رد شد.

۴. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد و اساسنامه و درخواست ثبت خود را در سال ۱۳۸۸ به وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی ارائه داد. سازمان دهندگان این کمیته با دقت برگزاری جلسه های خود را به مسئولان اطلاع داده اند.

آنها در نامه ای به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۰، از وزارت کار خواهان جایی برای برگزاری ششمین مجمع عمومی خود شدند، اما این وزارتخانه درخواست آنها را رد کرد. این فعالان مجمع عمومی خود را در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۱ در خانه ای خصوصی برگزار کردند. اما عده زیادی از ماموران مسلح امنیتی به نشست حمله کردند و با تیراندازی و ایجاد وحشت برای همسایگان بیش از ۶۰ نفر از شرکت کنندگان در جلسه را دستگیر کردند. این عده پس از چند روز و در چند مورد پس از چند هفته بازداشت با وثیقه آزاد شدند. انتظار می رود این عده در آینده با محاکمه های ناعادلانه روبرو باشند.

اعضای زندانی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

پدرام نصراللهی، عضو کمیته هماهنگی، در تیرماه ۱۳۸۷ بازداشت و در مرداد ۱۳۸۹ به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» به چهار ماه زندان محکوم شد. نصراللهی در فروردین ۱۳۹۱ یک ماه و نیم در بازداشت به سر برد. او در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۹۱ در محاکمه ای ناعادلانه به خاطر عضویت در کمیته هماهنگی و فعالیت های سندیکایی خود در شهر سنندج در غرب ایران به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «همکاری با یک گروه مخالف نظام» و «عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری» به سه سال زندان محکوم شد. این محکومیت به ۱۹ ماه کاهش یافت و او از تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۹۱ در سنندج محکومیت خود را می گذراند.

افشین ندیمی، یک عضو دیگر کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، از فروردین ۱۳۹۰ به مدت چهار ماه محکومیت زندان خود را گذراند.

ده ها نفر از اعضای کمیته هماهنگی در شهرهای کردستان، به ویژه در دی و اسفند ۱۳۹۲ دستگیر شدند. در زمان نگارش در اردیبهشت ۱۳۹۲، یکی از اعضا به نام جلیل محمدی هنوز در انزوای کامل در بازداشت به سر می برد. او پیشتر نیز چندین بار دستگیر شده و قربانی آزار و تعقیب بوده است. دیگر اعضا با وثیقه آزاد شده بودند، گرچه انتظار می رود در آینده در دادگاه های ناعادلانه مورد محاکمه قرار بگیرند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری یک گروه مستقل دیگر است که اعضای آن کوشیده اند کارگران را در اتحادیه ها گرد آورند. بعضی از اعضای این گروه نیز به شدت به خاطر فعالیت هایشان مجازات شده اند. برای مثال، چند فعال سندیکایی، شامل دو دانشجو، در خرداد ۱۳۹۰ بازداشت و در ۲۷ مرداد بدون داشتن وکیل

مدافع به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «تشکیل یا عضویت در گروه مخالف نظام» در دادگاه انقلاب تبریز محاکمه شدند. دادگاه تجدید نظر محکومیت آنها را در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۰ تایید کرد.

فعالان زندانی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

در نتیجه این محاکمه، شاهرخ زمانی، عضو کمیته پیگیری و عضو هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش، به ۱۱ سال زندان محکوم شد که از ۲۵ دی ۱۳۹۰ این محکومیت را می گذرانند. در اقدامی آشکار برای آزار او، مسئولان دو بار او را از شهر محل سکونتش به زندان های دیگر منتقل کرده اند. محمد جراحی، عضو کمیته پیگیری، به ۵ سال زندان محکوم شد و در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۰ آن را آغاز کرد. یکی از دو دانشجوی مذکور شش ماه در زندان ماند و دانشجوی دوم که به شش سال زندان محکوم شده بود از کشور گریخت.

بهنام ابراهیم زاده، عضو دیگر کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و فعال حقوق کودک، در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ دستگیر شد و در زندان ماند تا زمانی که در یک محاکمه ناعادلانه به اتهام «گردهمایی و تبانی علیه نظام» ۲۰ سال زندان محکوم شد. این محکومیت در ۱۳۹۰ در تجدید نظر به پنج سال کاهش یافت که او اکنون سپری می کند.

۶. کانون صنفی معلمان ایران

کانون صنفی معلمان ایران به تدریج از سال ۱۳۷۸ به وجود آمده است. بنا بر اساسنامه، این کانون یک انجمن صنفی غیرسیاسی مستقل و غیردولتی است و اعضای هیات مدیره آن نمی توانند عضو رهبری احزاب سیاسی باشند. از زمان تاسیس آن انجمن های صنفی معلمان در بسیاری از شهرهای کشور تشکیل شده اند و کانون صنفی معلمان ایران به عضویت بین الملل آموزش، فدراسیون جهانی اتحادیه های معلمان، درآمد است.

کانون صنفی معلمان ایران در بهمن و اسفند ۱۳۸۵ گردهمایی های چندی را برای درخواست حقوق عادلانه و شرایط مناسبتر کاری در برابر مجلس برگزار کرد. صدها عضو آن دستگیر و گرچه خیلی زود آزاد شدند، بسیاری از آنها در محاکمه های ناعادلانه مورد پیگرد قرار گرفتند و محکومیت های مختلفی از جمله محکومیت زندان دریافت کردند. در پی آن، وزارت کشور کانون صنفی معلمان را ممنوع اعلام کرد، اما دادگاهی در تهران درخواست دولت برای انحلال آن را رد کرد و دستور داد که کانون معلمان پروانه تاسیس درخواست کند.

باوجوداین، بسیاری از معلمان سراسر کشور در سال ۱۳۸۶ ناعادلانه محاکمه شدند، کار خود را از دست دادند، به کسر حقوق یا زندان محکوم شدند.^{۱۲۶}

اعضای تحت آزار و تعقیب کانون صنفی معلمان ایران

افراد زیر تنها چند نمونه از میان ده ها عضو دیگر اعضای کانون صنفی معلمان هستند که تحت آزار و تعقیب قرار گرفته اند.

- رسول بداعی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان در تهران، در محاکمه ای ناعادلانه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «گردهمایی و تبانی برای اخلال در امنیت ملی» به شش سال زندان و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد. او از زمان دستگیری در شهریور ۱۳۸۸ این محکومیت را به دور از شهر محل سکونتش در زندان دورافتاده رجایی شهر می گذرانند.

۱۲۶. کانون صنفی معلمان ایران: خلاصه ای از آنچه در فصل پاییز برسر معلمان آمد؛ ۳ مهر ۱۳۸۶؛ وبگاه اطلاعات نت؛ <http://www.ettelaat.net/07-december/news.asp?id=25617>

- هاشم خواستار، یکی دیگر از اعضای برجسته کانون صنفی معلمان در شهر مشهد در شمال شرق ایران، به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور» دو سال در زندان ماند و در آبان ۱۳۹۰ آزاد شد.
- مهدی فراچی شانديز، معلم فعال سندیکایی، در اواسط دی ۱۳۹۰ دستگیر شد و برای گذراندن حکم محکومیت سه سال زندان به اتهام «توهین به رهبری و اخلال در نظم عمومی» به زندان اوین منتقل شد. او پیشتر در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ (اول ماه مه) دستگیر شده و بیش از ۸ ماه در سلول انفرادی در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین به سر برده بود.
- محمود باقری، عضو دیگر کانون صنفی معلمان ایران، در تاریخ ۵ تیر ۱۳۹۱، حکم نه سال و نیم زندان خود را آغاز کرد.
- علی اکبر باغانی، دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران، در دی ۱۳۹۱ به یک سال زندان و ۱۰ سال تبعید در شهر زابل در جنوب شرقی کشور محکوم شد. او پیشتر به پنج سال زندان تعلیقی محکوم شده بود. در صورتی که محکومیت یک سال او در تجدید نظر تایید شود، باید پنج سال حبس تعلیقی قبلی را هم در زندان بگذراند.^{۱۲۷}
- عبدالرضا قنبری، یکی از فعالان کانون صنفی معلمان، که در تاریخ ۷ دی ۱۳۸۸ در محل کار خود دستگیر شد، به اتهام تماس با گروه های مخالف در خارج از کشور به اعدام محکوم شده است و هنوز در انتظار نتیجه اعتراض به حکم به سر می برد.
- فرزاد کمانگر، معلم گرد و عضو کانون صنفی معلمان ایران، در حدود دو سال در زندان در زیر شکنجه های سخت به سر برد. او سپس متهم به همکاری با گروه های مخالف گرد شد، ولی به شدت آن را انکار کرد. وی در اردیبهشت ۱۳۸۹ اعدام شد. بین الملل آموزش که خواهان آزادی او شده بود به شدت به اعدام او اعتراض کرد.



تظاهرات کانون صنفی معلمان ایران
منبع عکس: Parklaleh.blogspot.com

^{۱۲۷}. محکومیت علی اکبر باغانی به یک سال زندان و ۱۰ سال تبعید، هرا، ۱۳ دی ۱۳۹۱، در اینجا:
<http://www.hra-news.org/13891-14575/36-12-08-09-01-.html>

۸. حق دریافت دستمزد کافی برای زندگی: رویایی واهی

اصل ۴۳ قانون اساسی «تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه... به منظور رسیدن به اشتغال کامل... و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» را مقرر کرده است.

به علاوه، گزارش دولت ایران به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند ۴۲ مدعی است: برنامه چشم انداز بیست ساله ایران بر اهمیت «ایجاد مشاغل تولیدی و کاهش میزان بیکاری، به عنوان اولین هدف توسعه اقتصادی کشور تاکید کرده است.» (تاکید از ماست).^{۱۲۸}

۸.۱ بیکاری

متأسفانه، در زمینه آمار و ارقام رسمی در باره بیکاری آشفتگی خاصی وجود دارد که در باره نرخ تورم و خط فقر هم قابل مشاهده است. منابع مختلف رسمی برآوردهای متفاوتی را انتشار می دهند و اکثریت قاطع کارشناسان مستقل و بعضی از نمایندگان مجلس و مسئولان دیگر این برآوردها را رد می کنند و ارقام خودشان را ارایه می کنند که حتی ممکن است ۳۰ درصد با ارقام رسمی تفاوت داشته باشد.

این آشفتگی در گزارش ادواری دولت ایران به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دیده می شود. در بند ۹-۲ گزارش دولت، آمار بیکاری در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۱۳/۹٪ و ۱۲/۷۵٪ عنوان شده، اما این ادعا در جدول نرخ بیکاری در سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ در همان گزارش نقض شده و ارقام مربوط به همان دو سال به ترتیب ۱۱/۵٪ و ۱۱/۳٪ ذکر شده است. این جدول (در بند ۱-۵۰ گزارش دولت) ارقام زیر را برای بیکاری ارایه می کند: ۱۱/۵٪ (۱۳۸۴)؛ ۱۱/۳٪ (۱۳۸۵)؛ ۱۰/۵٪ (۱۳۸۶)؛ و ۱۰/۴٪ (۱۳۸۷). در عین حال، گزارش دولت، اطلاعات زیر را در اختیار می گذارد:

- تعداد جمعیت بیکار: ۲,۹۹۲,۰۰۰ از مجموع ۲۰,۴۷۶,۰۰۰ نفر نیروی کار در سال ۱۳۸۵^{۱۲۹}
- میزان بیکاری جوانان در رده های سنی ۱۵-۱۹ و ۲۰-۲۴ بسیار بالاتر از میزان بیکاری جمعیت بزرگسال است: ۲۰/۶٪ در سال ۱۳۸۴ (درصد زنان بیکار در این رده سنی ۲۰/۹٪ و درصد مردان بیکار ۱۷/۸٪ بود).

در ارقامی که مرکز آمار ایران منتشر کرده درصد بیکاران در مورد سال ۱۳۸۴ کمی با درصد گزارش دولت به کمیته سازمان ملل متفاوت است، اما در مورد تعداد کل بیکاران و نیز مجموع نیروی کار کاملاً با گزارش دولت تفاوت دارد.^{۱۳۰}

۲۰۰۹ E/C.12/IRN/2.128 نوامبر ۳

۱۲۹. منبع این ارقام در گزارش ذکر نشده است.

۱۳۰. کاهش نرخ بیکاری با انقباض جمعیت بالای ۱۰ سال؛ ۹ آبان ۱۳۹۱؛ خبر آنلاین؛ در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/detail/254914>

جدول: نرخ بیکاری (%) جمعیت بالای ۱۰ سال بر اساس آمار رسمی

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
بیکاری (%)	۱۱/۹	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۴-۱۲/۹
جمعیت بیکار	۲۳۲۹۳۴۴۵	۲۶۴۲۶۴۸	۲۴۸۶۲۳۸	۲۳۹۲۱۷۹	۲۸۲۹۹۷۳	۳۲۱۸۳۲۹	۲۸۷۷۶۰۸	۳۱۴۶۰۹۲/ ۳۰۲۲۳۵۷۴
نیروی کار	۲۳۲۹۳۴۵	۲۳۴۸۴۰۶۸	۲۳۵۷۸۷۱۵	۲۲۸۹۲۴۸۹	۲۳۸۴۰۷۶۷	۲۳۸۷۰۰۲۳	۲۳۳۸۷۶۳۳	۲۴۴۳۰۱۸۵/ ۲۴۳۸۵۴۶۸

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۲

کارشناسان مستقل اقتصادی و بسیاری از مسئولان از مدت ها پیش می گویند ارقام رسمی در مورد بیکاری قابل اتکا نیست، به این دلایل:

- الف) کسانی که در هفته حتی یک ساعت کار می کنند در میان شاغلان شمارش می شوند؛
 ب) بنا به اعلام وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، کسانی که یک هفته در ماه کار می کنند بیکار نیستند؛
 ج) اجرای طرح «هدفمندی یارانه ها» و افزایش هزینه تولید^{۱۳۳} بسیاری از واحدهای تولیدی را ناگزیر از تعطیلی و اخراج کارگران کرده است؛
 د) تعداد کم کارگرانی که به تازگی نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه شده اند نشان می دهد که دولت در سال ۱۳۹۰ تنها ۳۰۰،۰۰۰ کار ایجاد کرده است؛ در مقایسه، صدها هزار نفر از کار بیکار شده اند. روزنامه شرق، بر اساس ارقامی که مرکز آمار ایران منتشر کرده، در اسفند ۱۳۹۰ گزارش کرد که ۸۰۰،۰۰۰ نفر در ظرف یک سال از پاییز ۱۳۸۹ تا پاییز ۱۳۹۰ کارشان را از دست داده اند.^{۱۳۴}

در فروردین ۱۳۹۰، بسیار پیش از تشدید بحران اقتصادی در نیمه دوم ۱۳۹۱، قدرت علیخانی، نماینده وقت قزوین در مجلس، نرخ رسمی بیکاری به میزان ۱۰٪ را مورد تردید قرار داد و اعلام کرد: «بر اساس اطلاعاتی که که نمایندگان مجلس از مسئولان دریافت کرده اند، نرخ واقعی بیکاری ۱۵٪ است و چهار میلیون نفر در سراسر کشور بیکار هستند.»^{۱۳۵} در خرداد ۱۳۹۰، نماینده دیگر مجلس و مدرس دانشگاه، داریوش قنبری، این برآورد را به ۳۰٪ و هشت میلیون نفر افزایش داد و گفت: «ارقام رسمی ۱۴٪ و بیش از سه میلیون است. اما، این ارقام زنان، دانشجویان و سربازان را در بر نمی گیرند.»^{۱۳۶}

۱۳۱. به تفکیک در بهار/تابستان

۱۳۲. منبع پیش گفته، کاهش نرخ بیکاری با انقباض جمعیت بالای ۱۰ سال، <http://www.khabaronline.ir/detail/254914>

۱۳۳. به گزارش بانک مرکزی در اسفند ۱۳۹۰، این افزایش در سال ۱۳۹۰، ۳۴/۲٪ بود؛ تورم از تولید تا مصرف، روزنامه خراسان، ۱۴ شهریور ۱۳۹۱، در اینجا:

<http://www.khorasannews.com/News.aspx?id=4434330&type=1&year=1391&month=6&day=14>

با توجه به تورم شدید و مشکلات فراوان اقتصادی، این میزان در سال ۱۳۹۱ مسلماً به مراتب بیشتر خواهد بود.

۱۳۴. ۸۰۰ هزار شاغل بیکار شدند، روزنامه شرق، ۶ اسفند ۱۳۹۰، به نقل در اتاق نیوز، در اینجا:

<http://www.otaghnews.com/800%E2%80%CE%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%A7%D8%BA%D9%84%D8%8C-%D8%A8%D9%8A%D9%83%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF/21200/>

۱۳۵. نرخ واقعی بیکاری ۱۵/۶ درصد است، وبگاه انتخاب، ۲۷ فروردین ۱۳۹۰، در اینجا: <http://www.entekhab.ir/fa/news/23666>

۱۳۶. آمارهای عجیب قنبری: بیکاری ۳۰ درصدی و وجود ۸ میلیون بیکار، ۱ تیر ۱۳۹۰، خبر آنلاین، در اینجا:

<http://www.khabaronline.ir/detail/158876>

۸.۲ حداقل مزد

بر اساس قانون کار، حداقل مزد کارگران هر سال به وسیله شورای عالی کار برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف تعیین می شود (ماده ۴۱) تا با افزایش قیمت ها و هزینه زندگی تناسب داشته باشد. بنابراین، قانون کار مقرر می دارد که حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می کند تعیین شود و به اندازه ای باشد که زندگی یک خانواده متوسط را تامین نماید.

رئیس شورای عالی کار، وزیر کار و امور اجتماعی، و اعضای آن دو نفر از افراد بصیر و مطلع به پیشنهاد وزیر کار، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان، و سه نفر از نمایندگان کارگران به انتخاب کانون عالی شوراها اسلامی کار هستند. بنابراین، کارگران در شورای عالی کار در اقلیت مطلق هستند. در واقع، حتی اگر شوراها اسلامی کار را نماینده کارگران فرض کنیم (نگاه کنید در بالا به بخش: شوراها اسلامی کار)، این شوراها فقط در واحد هایی با بیش از ۳۵ شاغل تشکیل می شود، اما اکثریت بزرگی از واحدها - بنا به بعضی برآوردها بیش از ۸۰٪ - کمتر از ۳۵ نفر شاغل دارند. بنابراین، اکثریت کارگران در شورای عالی کار نیز نماینده ندارند.

جدول: مزد حداقل، ۱۳۸۳-۱۳۹۲

سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
مزد ماهانه (هزار ریال)	۱۰۶۰	۱۲۶۰	۱۵۰۰	۱۸۳۰	۲۱۹۰	۲۶۳۰	۳۰۳۰	۳۳۰۰	۳۹۰۰	۴۸۷۱

منبع: بانک مرکزی ایران و ماهنامه اقتصاد ایران ۱۳۸

برای ارزیابی این ارقام، باید خط فقر و میزان تورم را مورد بررسی قرار دهیم.

خط فقر

گزارش دولت ایران به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند ۱-۲-۱۱۳ می گوید «دولت ملزم است تمام خانواده هایی را که در زیر خط فقر زندگی می کنند شناسایی کند و آنها را از طریق سازمان های متولی زیر پوشش نظام تامین اجتماعی قرار دهد. این گزارش سپس در بند ۵-۱۲۵ خط فقر را در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به این ترتیب عنوان می کند:

در سال ۱۳۸۴، خط فقر نسبی برای یک خانواده پنج نفری در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲,۹۹۸,۰۰۰ ریال و ۱,۶۸۵,۰۰۰ ریال بود... همچنین، یک چهارم از هزینه های متوسط یک خانواده (متوسط یک چهارم هزینه یک خانواده) به عنوان خط دوم فقر تعریف می شود. بنابراین، فقر در خانواده های زیر خط دوم فقر شدیدتر از فقر در خانواده های زیر خط اول فقر است. به علاوه، در سال ۱۳۸۵ خط فقر (به قیمت های جاری) در مناطق شهری و روستایی به میزان ۳,۳۲۹,۰۰۰ ریال و ۱,۸۵۲,۰۰۰ ریال رسید.

۱۳۷. حداقل دستمزد سال ۹۲ تصویب شد، خبر آنلاین، ۲۱ اسفند ۱۳۹۱، در اینجا: <http://khabaronline.ir/detail/281772>
۱۳۸. وقتی دستمزد سرازیری می رود، خبر آنلاین، ۱۰ فروردین ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/detail/205533/economy/macroeconomics>

گزارش دولت باوجود این که در نوامبر ۲۰۰۹ (آبان ۱۳۸۸) به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارایه شده است، از اعلام ارقام خط فقر در سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ خودداری کرده است. به علاوه، حتی اگر درستی ارقام بالا را بپذیریم، شرایط اقتصادی از آن زمان به شدت تغییر کرده اند.

عادل آذر، رییس مرکز آمار ایران، در خرداد ۱۳۸۹ تایید کرد که «بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ما زیر خط فقر مطلق و بیش از ۳۰ میلیون نفر آنها زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند.»^{۱۳۹} این میزان بیش از ۵۰٪ از جمعیت بالاتر از ۷۵ میلیون نفر کشور را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر حسین راغفر، استاد دانشگاه و کارشناس اقتصادی، در مهر ماه ۱۳۹۱ گفت:

«بر اساس محاسبات، میزان فقر مطلق در ایران بین ۲۵ تا ۳۲ درصد است. در ۷ سال گذشته شدت فقر افزایش پیدا کرده، ضمن اینکه نابرابری نیز افزایش داشته است. طی ۳ سال گذشته در دولت احمدی‌نژاد، هر سال ۲ درصد به جمعیت فقیر کشور (۳۲ درصد) افزوده شده است.»^{۱۴۰}

فرشاد مومنی، یک استاد دیگر دانشگاه، در آبان ماه ۱۳۹۱ افزود که در اثر شوک درمانی ناشی از طرح "یارانه های هدفمند" در سال ۱۳۹۰ «در حدود ۴ تا ۵ میلیون ایرانی به زیر خط فقر رفتند.»^{۱۴۱} رییس وقت نظام پزشکی، شهاب‌الدین صدر نه تنها این ارقام را تایید کرد بلکه فراتر رفت: «سالانه بیش از ۴ میلیون نفر یعنی ۷/۵ درصد به دلیل هزینه‌های سلامت به زیر خط فقر می‌روند.»^{۱۴۲} ولی وزیر پیشین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دو هفته پیش از این که در دی ۱۳۹۱ از سمت خود برکنار شود، گفت: «هر ساله بین ۵ تا ۷ و نیم درصد مردم به علت هزینه‌های بیماری‌های صعب‌العلاج به زیر خط فقر می‌روند.»^{۱۴۳} روشن است که اگر تنها در اثر بیماری‌های صعب‌العلاج سالانه ۳/۷ میلیون - ۵/۶ میلیون نفر به زیر خط فقر سقوط کنند،^{۱۴۴} برآورد کل جمعیت زیر خط فقر بسیار بالاتر خواهد بود.

در این میان، بازنشستگان به طور ویژه در وضعیت بدی هستند زیرا «حداقل حقوق ۸۰ درصد بازنشستگان ۳۵۳ هزار تومان [در ماه] است و تمامی این بازنشستگان زیر خط فقر محسوب می‌شوند.»^{۱۴۵} تعداد بازنشستگان بیش از سه میلیون نفر شامل ۲/۶ میلیون غیرنظامی و ۶۰۰,۰۰۰ نظامی بازنشسته برآورد می‌شود.^{۱۴۶}

اما خط فقر چقدر است؟ اطلاعات رسمی به طور مستقیم در دسترس نیست. از آنجا که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انتشار گزارش در باره ارقام مربوطه را در سال ۱۳۸۶ متوقف کرد، اطلاعات زیر از منابع رسمی و غیررسمی گردآوری شده است. باید خاطر نشان کرد که حتی مسئولانی که برآوردهای رسمی را مورد تایید قرار می‌دهند، ارقام بسیار متفاوتی را ارایه می‌کنند. باوجوداین، روزنامه نگاران اقتصادی بر اساس ارقام رسمی تورم و خط فقر در سال های پیش، ارقام تقریبی را برای سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۷ محاسبه کرده اند.

۱۳۹: بررسی روزنامه های صبح تهران؛ شنبه ۸ خرداد ۱۳۸۹، بخش فارسی بی بی سی، به نقل از روزنامه پول؛ در اینجا http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010100529/05_u02-press.shtml

۱۴۰: میزان فقر مطلق در ایران بین ۲۵ تا ۳۲ درصد است؛ خبرگزاری کار ایران، ۳۰ مهر ۱۳۹۱؛ در اینجا <http://ilna.ir/news/news.cfm?id=13930>

۱۴۱: سال گذشته ۵ میلیون نفر زیر خط فقر رفتند؛ وبگاه جرس، ۹ آبان ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.rahesabz.net/story/61093>

۱۴۲: سقوط سالانه بیش از ۴ میلیون نفر به زیر خط فقر؛ وبگاه سلامت نیوز؛ دی ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.salamatnews.com/viewNews.aspx?ID=65144&cat=12>

۱۴۳: هزینه درمان، سالانه ۷ و نیم درصد مردم را زیر خط فقر می‌برد؛ خبرگزاری کار ایران؛ ۲۴ آذر ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://ilna.ir/news/news.cfm?id=27876>

۱۴۴: بر اساس آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۹۰ که جمعیت ایران را ۷۵/۱۵ میلیون نفر اعلام کرد

۱۴۵: ۸۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی زیر خط فقرند؛ علی اکبر خبازبها، بیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی، خبر آنلاین، ۱۷ بهمن ۱۳۹۰، در اینجا: <http://khabaronline.ir/detail/197524>

۱۴۶: پرداخت وام ضروری ۱ میلیونی به ۲/۶ میلیون نفر بازنشسته، خبر آنلاین، ۱۸ فروردین ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/>

نفت، ۱۱ دی ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.bazneshaste.com/module/News/Shownews/page-1614.aspx?NewsId=5412>

جدول: خط فقر در سراسر کشور و پایتخت تهران بر اساس آمار رسمی ۱۴۷

سال	خط فقر کشور (هزار ریال)	خط فقر تهران (هزار ریال)	نرخ تورم سال - (%) بانک مرکزی
۱۳۸۳	۲۳۸۰	۴۰۰۰	۱۵/۲
۱۳۸۴	۲۷۶۰	۴۸۰۰	۱۲/۱
۱۳۸۵	۳۲۵۰	۵۶۰۰	۱۳/۶
۱۳۸۶	۴۰۰۰	۶۵۰۰	۱۸/۴
۱۳۸۷	۴۷۳۰	۷۶۹۰	۲۵/۴
۱۳۸۸	۵۹۳۰	۹۶۴۰	۱۰/۸
۱۳۸۹	۶۵۷۰	۱۰۶۸۰	۱۲/۴
۱۳۹۰	۷۳۸۰	۱۲۰۰۰	۲۱/۵
۱۳۹۱	۸۹۳۰	۱۴۵۰۰	۳۰/۵

مسئولان و کارشناسان دیگر نیز برآوردهای خود را ابراز کرده اند. برای مثال، رییس شورای رقابت، جمشید پژویان، که به نظر می رسد ارقام رسمی را تکرار می کند، خط فقر را در سال ۱۳۹۰ برای خانواده های شهری با درآمد زیر ۹,۴۶,۰۰۰ ریال در ماه و برای خانواده های روستایی با درآمد زیر ۵,۸۰۰,۰۰۰ ریال دانست. ۱۴۸

از سوی دیگر، در طی سال ۱۳۹۱، کارشناسان و مسئولان دیگر ارقام بسیار بالاتر و کاملاً متفاوتی را منتشر کردند. چند نمونه در زیر آرایه می شود:

در فروردین ۱۳۹۱، یکی از اعضای کمیته دستمزد شورای عالی کار، فرامرز توفیقی، به خبرگزاری نیمه رسمی کار ایران گفت که خط فقر خانواده ها از ۱۲/۵ میلیون ریال [در ماه] در سال ۱۳۹۰ به ۱۴ میلیون ریال در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. ۱۴۹

در اردیبهشت ۱۳۹۱، حسین راغفر، استاد دانشگاه و کارشناس مستقل، حداقل خط فقر مطلق برای یک خانواده ۵ نفری با سه فرزند دانشجو را در سال ۱۳۹۱، ۱۵ میلیون ریال برآورد کرد. ۱۵۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در واکنش خود به این برآورد او، به طور کامل تاکید او بر خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۱ را نادیده گرفت و در مقابل اعلام کرد که خط فقر نسبی برای خانواده های شهری در سال ۱۳۸۹ در حدود ۵,۹۰۰,۰۰۰ ریال بوده است. ۱۵۱ (تاکیدها از ماست).

در آذر ۱۳۹۱، اولیا علی بیگی، عضو شورای عالی کار، که مسئولیت تعیین حداقل مزد سالانه را به عهده دارد، «خط فقر واقعی در کشور را برای یک خانواده چهار نفری یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان» اعلام کرد. ۱۵۲

حتا اگر بنا باشد نظر کارشناسان را کنار بگذاریم و ارقام رسمی را بپذیریم، مقایسه ارقام رسمی با میزان حداقل مزد و تورم به روشنی نشان می دهد که اکثریت جمعیت شاغل به کار به سرعت به زیر خط فقر سقوط می کنند.

۱۴۷. فقر زدایی پس از هفت سال به کجا رسید؟! افکار نیوز، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.afkarnews.ir/vdcja8eviuqeyaz.fsfu.html>

۱۴۸. خط فقر جدید خانوار شهری و روستایی اعلام شد؛ ۱۰ تیر ۱۳۹۱؛ <http://www.khabaronline.ir/detail/224299/economy/macroeconomics>

۱۴۹. ۶۰ درصد از کارگران قانونی در محدوده خط مرگ زندگی می کنند؛ ۳۰ فروردین ۱۳۹۱؛ روزنامه همشهری؛ در اینجا: <http://hamshahrionline.ir/details/166911>

۱۵۰. خط فقر مطلق تا ۱/۵ میلیون تومان؛ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱؛ روزنامه اعتماد؛ در اینجا: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2494150>

۱۵۱. خط فقر نسبی ۵۹۰ هزار تومان؛ اول خرداد ۱۳۹۱؛ روزنامه اعتماد؛ در اینجا: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2506287>

۱۵۲. خط فقر در ایران؛ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان؛ ۲ دی ۱۳۹۱؛ روزنامه بهار؛ در اینجا: <http://www.baharnews.ir/vdch.wnqt23nk-ftd2.html>

میزان تورم

همان طور که در بالا ملاحظه شد، یکی از معیارهای تعیین مزد حداقل سالانه میزان تورم است. با وجود این، دولتمردان ایران میزان تورم را اطلاعات محرمانه تلقی می کنند. رییس مرکز آمار ایران، عادل آذر، در آبان ۱۳۹۱ به روزنامه نگاران گفت: «نرخ تورمی که توسط این مرکز تهیه شود، محرمانه است و ما آن را به مدیران کشور و تصمیم گیران ارائه می کنیم و در صورتی که آنها لازم بدانند، آن را منتشر می کنند.»^{۱۵۳} بنابراین، راه دیگری به جز مراجعه به منابع دیگر نیست. بسیاری از کارشناسان روش بانک مرکزی برای محاسبه نرخ تورم، قابل اتکا بودن ارقام آن و سازگاری آنها با واقعیت زندگی در کشور را مورد پرسش قرار داده اند. در زیر در جدول ارقام رسمی نرخ تورم و حداقل مزد ماهانه، سه دسته آمار رسمی در این زمینه گزارش شده است.

براساس آخرین آماری که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۹۱ منتشر کرد، نرخ تورم به ۲۸/۷٪ افزایش یافت.^{۱۵۴} قابل توجه است که بانک مرکزی پیشتر افزایش نرخ تورم را از ۲۱/۸٪ در فروردین تا ۲۶/۱٪ در آبان گزارش کرده بود.

در عین حال، بانک مرکزی ایران میزان تورم را برای پایان سال ۱۳۹۱، ۳۲٪ پیش بینی کرده بود.^{۱۵۵} اما در پایان سال، رییس این بانک تورم را ۳۰/۵٪ اعلام کرد.^{۱۵۶} مرکز آمار ایران هم رقم ۳۱/۵٪ را به عنوان میزان تورم شهری سال ۱۳۹۱ منتشر کرد.^{۱۵۷} منابع غیررسمی دانشگاهی و خارجی و جناح ها و محفل های مختلف سیاسی در ایران، از جمله استادان دانشگاه و نمایندگان مجلس، ارقام بسیار بالاتری را مطرح کرده اند. در اینجا چند نمونه آرایه می شود:

- اردیبهشت ۱۳۹۱: حسین راغفر، استاد دانشگاه و کارشناس اقتصادی، گفت نرخ تورم در سال ۱۳۹۰ بیش از ۵۵٪ و در سال ۱۳۹۱ در حدود ۶۵-۷۰٪ است. او پیش بینی کرد که در صورت اجرای مرحله دوم طرح یارانه های هدفمند، نرخ تورم به عددی سه رقمی برسد.^{۱۵۸}
- شهریور ۱۳۹۱: مسئول کمیته مزد کانون شوراها اسلامی کار تهران، علی اکبر عیوضی، گفت افزایش حقوق ۱۸ درصدی پیش بینی شده در ابتدای سال جاری با تورم ۳۵ درصدی موجود خنثی شده است.^{۱۵۹}
- آذر ۱۳۹۱: نماینده گچساران در مجلس، غلامرضا تاجگردون، گفت تورم به عدد وحشتناک ۵۸ درصد رسیده است.^{۱۶۰}

۱۵۳. گزارش های نرخ تورم محرمانه است؛ ۱ آبان ۱۳۹۱؛ خبرگزاری کار ایران؛ در اینجا: <http://ilna.ir/news/news.cfm?id=14657>

۱۵۴. نرخ تورم در دی ماه ۱۳۹۱ معادل ۲۸/۷ درصد است؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۵ بهمن ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.cbi.ir/showitem/10256.aspx>

۱۵۵. پیش بینی بانک مرکزی / نرخ تورم ۹۱ معادل ۳۲ درصد، خبرگزاری مهر، ۲۰ بهمن ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1811806>

۱۵۶. نرخ تورم پایان سال گذشته ۳۰/۵ درصد شد، روزنامه ابتکار، ۲۰ فروردین ۱۳۹۲، در اینجا: <http://www.ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=113549>

۱۵۷. نرخ تورم شهری سال ۹۱ به ۳۱/۵ درصد رسید، خبرگزاری فارس، ۱۱ فروردین ۱۳۹۲، در اینجا: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920111000156>

۱۵۸. خط فقر مطلق تا ۱/۵ میلیون تومان، روزنامه اعتماد، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2494150>

در واقع، احمدی نژاد، ریاست جمهوری، در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۱ اعلام کرد که دولت او و مجلس در جلسه مشترکی به ریاست آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، در مورد اجرای مرحله دوم طرح یارانه های هدفمند به توافق رسیده اند.

۱۵۹. قانون مانع افزایش مجدد دستمزد؛ ۳ مهر ۱۳۹۱؛ خبرگزاری کار ایران؛ در اینجا: <http://ilna.ir/news/news.cfm?id=5919>

۱۶۰. به تورم ۵۸ درصدی رسیدیم؛ خبرآنلاین؛ ۱۹ آذر ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/detail/262457/politics/parliament>

غلامرضا تاجگردون نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است و پیشتر هماهنگ کننده بودجه کشور بوده است. وی در گذشته سمت های معاون سازمان برنامه ریزی و مدیریت کشور، دبیر شورای اقتصادی و دبیر شورای اشتغال را به عهده داشته است.

- لزاکو، نشریه اقتصادی پرنفوذ فرانسه، نرخ تورم را بر اساس «گزارش محرمانه مرکز پژوهش های مجلس»، ۸۸٪ برآورد کرد. ۱۶۱
- استیو هانک، استاد اقتصاد کاربردی و یکی از مدیران موسسه اقتصاد کاربردی در دانشگاه جانز هاپکینز، نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۱۲ را ۱۱۰٪ برآورد کرد. ۱۶۲

تردید نیست که تورم از کنترل خارج شده و قدرت خرید مردم به سرعت رو به کاهش است. گزارش های اخیر در روزنامه های ایران نشان می دهند که قدرت خرید مردم در هشت سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، ۷۲٪ سقوط کرده است. ۱۶۳ روزنامه مردمسالاری، در مقایسه ای بین قیمت ها در فروردین ۱۳۹۲ با سال ۱۳۸۴ که محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری رسید، نوشت:

«حداقل دستمزد کارگران از ۱۲۲ هزار تومان در سال ۸۴ به ۳۸۹ هزار تومان در سال ۹۱ رسیده است... با حداقل دستمزد سال ۸۴ امکان خرید ۴۹۲ تخم مرغ بود اما با حداقل دستمزد سال ۹۱ تنها می توان ۱۵۲ تخم مرغ خریداری کرد.» ۱۶۴

حداقل مزد در مقایسه با مزدی برای تامین زندگی

ارقام رسمی این تصور را به دست می دهند که مردها در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سه برابر شده اند (نگاه کنید به جدول مزد حداقل در بالا). باوجوداین، تحقیقی در باره ارقامی که منابع رسمی در ایران منتشر کرده اند - با در نظر گرفتن نرخ تبدیل رسمی دلار آمریکا به ریال ایران در بازار ۱۶۵ به اعلام بانک مرکزی ایران - نشان می دهد که ارزش واقعی دستمزد کارگران ایرانی در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در بازار جهانی ۳۶٪ سقوط کرده و از ۱۲۱/۱ دلار آمریکا به ۸۸/۹ دلار آمریکا رسیده است. ۱۶۶ این سقوط در سال ۱۳۹۱ و اوایل ۱۳۹۲ به مراتب شدیدتر بوده است.

۱۶۱. به سوی بالا ترین نرخ تورم در هفتاد سال گذشته؟ رادیو فردا، ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، در اینجا: http://www.radiofarda.com/content/f3_new_inflation_wave_iran/24898508.html

۱۶۲. آمار دروغین تورم در ایران، ۹ ژانویه ۲۰۱۳، در اینجا: <http://www.cato.org/blog/irans-lying-inflation-statistics>

۱۶۳. کاهش قدرت خرید مردم در ۸ سال گذشته، روزنامه شرق، ۱۴ اسفند ۱۳۹۱، در اینجا: <http://sharghdaily.ir/139114/12/Files/PDF/139112145-3-1687-.pdf>

۱۶۴. قیمت ها در ابتدای و انتهای دولت احمدی نژاد؛ ۱۳ اسفند ۱۳۹۱؛ روزنامه مردمسالاری به نقل در روزنامه بهار، در اینجا: <http://www.baharnews.ir/vdci.ua3ct1a55bc2t.html>

۱۶۵. یک دلار آمریکا = ۸,۷۵۰ ریال در سال ۱۳۸۳ و ۱۳,۵۰۰ ریال در سال ۱۳۹۰

۱۶۶. وقتی دستمزد سرازیری می رود، خبر آنلاین، ۱۰ فروردین ۱۳۹۱، در اینجا: <http://www.khabaronline.ir/detail/205533/economy/macroeconomics>

جدول: ارقام رسمی نرخ تورم و مزد حداقل ماهانه ۱۶۷

سال	نرخ تورم بانک مرکزی (%)	نرخ تورم مرکز آمار ایران (%)	نرخ تورم برخی مسئولان دولتی (%) ^{۱۶۸}	مزد حداقل (ماهانه)		مزد حداقل (ماهانه)	
				به قیمت های جاری	به قیمت های ثابت	به قیمت های جاری	به قیمت های ثابت
				هزار دلار	هزار ریال	هزار دلار	هزار ریال
۱۳۸۳	۱۵/۲			۱۰۶۰	۱۲۱/۱	۱۰۶۰	۱۲۱/۱
۱۳۸۴	۱۶۹۱۲/۱(۱۰/۴)		۱۰/۴	۱۱۴۰	۱۲۶/۷	۱۲۶۰	۱۴۰
۱۳۸۵	۱۳/۶(۱۱/۹)		۱۱/۹	۱۲۱۰	۱۳۱/۱	۱۵۰۰	۱۶۲/۵
۱۳۸۶	۱۸/۴	۱۷/۲	۱۸/۴	۱۸۳۰	۱۹۵/۷	۱۲۵۰	۱۳۳/۷
۱۳۸۷	۲۵/۴	۲۵/۵	۲۵/۳	۲۱۹۰	۲۲۶/۵	۱۱۹۰	۱۲۳/۱
۱۳۸۸	۱۰/۸	۹/۵	۱۵/۲	۲۶۳۰	۲۶۳/۵	۱۳۰۰	۱۳۰/۳
۱۳۸۹	۱۲/۴	۱۳/۹	۱۱/۸	۳۰۳۰	۲۹۱/۳	۱۳۶۰	۱۳۰/۸
۱۳۹۰	۲۱/۵(۲۰/۲)		۲۱/۹	۳۳۰۰	۲۴۴/۴	۱۲۰۰	۸۸/۹
۱۳۹۱	۳۰/۵	۱۷۰۳۱/۵	۲۸/۱	۳۹۰۰			
۱۳۹۲				۴۸۷۱			

یکی از اعضای شورای عالی کار، فرامرز توفیقی، در فروردین ۱۳۹۱، گفت:

بیش از ۶۰ درصد از کارگران قانونی کشور پایه دستمزد دریافت می کنند.^{۱۷۱} نرخ خط فقر شدید ۷۰۰ هزار تومان برآورد می شود طبق مصوبه مزدی در سال ۹۱ کارگرانی که پایه دستمزد دریافت می کنند زیر خط فقر شدید در محدوده خط بقاء (خط مرگ) گذران معیشت می کنند. کارگران برای فاصله گرفتن از خط بقا و رسیدن به خط فقر شدید به شغلی های دوم و سوم روی آورده اند.^{۱۷۲}

شورای عالی کار در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۱ حداقل مزد را برای سال ۱۳۹۲ به میزان چهار میلیون و هشتصد و هفتاد و یک هزار و دویست و پنجاه ریال تعیین کرد که در مقایسه با سال ۱۳۹۱، ۲۵٪ افزایش نشان می داد. با این کار، شورای عالی کار، حتماً نص قانون را نادیده گرفت که حداقل مزد را در تناسب با نرخ رسمی تورم - در حدود ۵/۳۰٪ - مقرر کرده است؛ با وجود این که در واقعیت برای خنثا کردن تورم واقعی مزدها باید خیلی بیشتر از این افزایش یابند.

۱۶۷. محاسبه نرخ مزد در پایان اسفند ۱۳۹۰ انجام شده است. منابع: (۱) در مورد بانک مرکزی ایران و مسئولان دیگر، نگاه کنید به گزارش؛ (۲) در مورد مرکز <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1771591> خبرگزاری نیمه رسمی مهر، ۱۳۹۱/۱۰/۱، در؛ در مورد مزد حداقل <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=205396> آمار ایران، نگاه کنید به وبسایت تبیان، ۲۲ فروردین ۱۳۹۱، در ماهانه، نگاه کنید به بانک مرکزی و ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۰ فروردین ۱۳۹۱، در خبر آنلاین <http://www.khabaronline.ir/detail/205533/economy/macroeconomics>.
۱۶۸. ارقامی که منابع دولتی در جلسه ای در نهاد ریاست جمهوری در دومین سالگرد اجرای قانون هدفمندی یارانه ها اعلام کردند، آمارهای اشتباه دولتی ها از نرخ تورم، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۱/۱۰/۱، در اینجا: <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1771591>
۱۶۹. ارقام داخل پرانتز از منبع پیش گفته، وقتی دستمزد سرازیری می رود
۱۷۰. میزان تورم شهری
۱۷۱. در حدود سه میلیون و نهصد هزار ریال در سال ۱۳۹۰
۱۷۲. ۶۰ درصد از کارگران قانونی در محدوده خط مرگ زندگی می کنند؛ ایلنا در همشهری آنلاین؛ ۳۰ فروردین ۱۳۹۱؛ در اینجا <http://hamshahrionline.ir/details/166911>

یکی از کارشناسان کارگری در اواخر سال ۱۳۹۰ برآورد کرده بود که «بیش از ۸۰ درصد از کارگران فعال در واحدهای تولیدی حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند و زیر خط فقر زندگی می‌کنند.»^{۱۷۳} بر اساس برآورد او، خط فقر در شهرهای بزرگ یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود.

از آن پس تاکنون، در سراسر ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، وضعیت فاجعه بار بوده است. نرخ تبدیل ریال ایران به دلار آمریکا - ۱۳,۵۰۰ ریال در سال ۱۳۹۰ به گزارش بانک مرکزی - دچار سقوط آزاد شده است، از حدود ۱۴,۰۰۰ ریال در آذر ۱۳۹۰^{۱۷۴} به ۱۹,۰۰۰ ریال در فروردین ۱۳۹۱، ۳۳,۵۰۰ ریال در دی ۱۳۹۱^{۱۷۵} و ۳۶,۹۰۰ ریال در اسفند ۱۳۹۱.^{۱۷۶} این میزان بیش از ۲/۵ برابر نرخ تبدیل ارز در سال ۱۳۹۰ است و معنای آن این است که مزد واقعی در دی ماه ۱۳۹۱ و پس از آن به کاهش شدید ادامه داده است و کمتر از نیم مزد در سال ۱۳۹۰ شده است.

با ادامه افزایش قیمت هایی که در پیش است، برای مثال در اثر طرح دولت برای افزایش قیمت برق به میزان ۴/۵ برابر، روزهای بسیار تاریکی در انتظار تمامی مردم و به ویژه در انتظار کارگران کم درآمد است.



منبع عکس: irandailybrief.com

۱۷۳. ۸۰ درصد کارگران ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ محمد رضا عمادی، ۲۵ دی ۱۳۹۰، رادیو زمانه به نقل از ایلنا؛ در اینجا: <http://www.radiozameh.com/39309#.UZJDE0rSIY>

۱۷۴. دلار رکورد زد: ۱۴۰۰ تومان، همشهری آنلاین، ۲۷ آذر ۱۳۹۰، در اینجا: <http://hamshahronline.ir/details/154169>

۱۷۵. افزایش قیمت ارز در ایران، بی بی سی فارسی، ۴ دی ۱۳۹۱، در اینجا:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012110_currencies_iran_usd.shtml_121224/12

۱۷۶. جدول قیمت انواع سکه و ارز؛ روزنامه همشهری؛ ۲ اسفند ۱۳۹۱؛ در اینجا: <http://www.hamshahronline.ir/details/202354>؛ نرخ تبدیل ریال به دلار آمریکا در دی - بهمن ۱۳۹۱ از ۴۰,۰۰۰ ریال هم فراتر رفت.

نتیجه گیری و توصیه ها

قانون اساسی و قوانین جمهوری اسلامی ایران در زمینه کار، بر پایه دین، قومیت و عقیده سیاسی به شدت تبعیض آمیز است. این قوانین تبعیض فراگیری را علیه زنان قایل می شوند. اتحادیه های مستقل کارگری ممنوع هستند و دولت کنترل شدیدی را بر تمام نهادهای قانونی - که ظاهراً باید نماینده کارگران باشند - اعمال می کند. اعتصاب ها با خشونت سرکوب می شوند. فعالان مستقل سندیکایی بیش از پیش می کوشند اتحادیه های کارگری خود را به دور از مداخله دولت تشکیل دهند. اما بسیاری از این فعالان سندیکایی بهای گزافی را با اخراج از کار، تحمل آزار و تعقیب و زندان، می پردازند.

تورم لگام گسیخته است و بیکاری افزایش می یابد. فقر و فقر مطلق به سطوح بی سابقه ای رسیده اند و مزد حداقل دولتی، که دریافتی اکثر کارگران است، بسیار کمتر از مزد کافی برای زندگی است که میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی الزام کرده است.

جمهوری اسلامی ایران توصیه های نهادهای مستقل سازمان ملل و سازمان بین المللی کار را به اجرا نگذاشته و بی توجهی کامل خود را به موازین و راه کارهای بین المللی حقوق بشر و نیز شهروندان ایرانی نشان داده است.

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران به تاکید دولت جمهوری اسلامی ایران را فرا می خوانند:

- در مشاوره با نمایندگان کارگران و جامعه مدنی، قوانین داخلی را اصلاح و آنها را با تعهدات بین المللی حقوق بشری ایران سازگار کند. مصوبات نهادهای ناظر بر عهدنامه های سازمان ملل و سازمان بین المللی کار رهنمودهای روشنی در این زمینه ارائه کرده اند.
به ویژه:
 - قانون اساسی، قانون کار، قانون مدنی، قانون گزینش و دیگر قوانین و مقررات مربوط باید اصلاح و تمام مقررات تبعیض آمیز - به ویژه مقررات علیه زنان و اقلیت های رسمی و غیررسمی دینی و جوامع قومی - در زمینه کار حذف شود؛
 - قوانین حاکم بر اشتغال زنان و نیز مقرراتی را که زنان را از بعضی مشاغل منع می کنند مورد بازنگری قرار دهد و اصلاح کند؛
 - فرصت های برابر برای رسیدن به سمت های دولتی را بدون هرگونه تبعیضی برای همه تضمین کند؛
 - با پایان دادن به انحصار تشکیلاتی و به رسمیت شناختن حق کارگران برای تشکیل سازمان های دلخواه و پیوستن به آنها، آزادی تشکل را تضمین کند؛
 - نقش، عملکرد و جایگاه حقوقی تمام تشکیلات زیر هدایت دولت یا سازمان های دولتی موجود در واحدهای اقتصادی را که می توانند بر این حقوق تاثیر بگذارند مورد بازنگری قرار دهد؛
 - محدودیت های قانونی بر حق اعتصاب را لغو کند و به سرکوب و آزار فعالان کارگری مشارکت کننده در توقف کار یا اعتصاب پایان دهد؛
 - حمایت قانونی از کارگران را تضمین کند، به ویژه با تصویب سیاست ها و اقدام های لازم دیگر برای حذف قراردادهای سفید امضا یا قراردادهای موقت؛ پرداخت مزد و دستمزدهای عقب افتاده را تضمین کند؛ به حقوق تامین اجتماعی و بازنشستگی و دیگر مزایای قانونی احترام بگذارد؛ و منابع مالی و انسانی برای تضمین عملی این حمایت را تامین کند؛
- اجرای سیاست های بدون تبعیض در نهادهای عمومی و شرکت های خصوصی نسبت به اقلیت های دینی غیررسمی و رسمی را تضمین و ناقضان این سیاست ها را مجازات کند؛
- اقدام های ویژه ای برای کاهش بیکاری زنان را در پیش بگیرد؛

- سیاست‌هایی را برای کاهش شکاف درآمد و توسعه در استان‌های مختلف ایران در پیش بگیرد و منابع لازم را برای این کار تخصیص دهد و بر مناطق محل سکونت جوامع قومی ایران مثل آذری‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، کردها، عرب‌ها، و اقلیت‌های دینی شامل مسلمانان اهل سنت تاکید ویژه‌ای بگذارد؛
- تمام کسانی را که به خاطر نقش خود در دفاع از حقوق کارگران در زندان هستند فوری و بدون قید و شرط آزاد کند؛
- به تبعیض در زمینه کار علیه وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران، فعالان مستقل سندیکایی، مدافعان حقوق بشر، مخالفان و منتقدان دولت و اعضای خانواده‌های آنها پایان دهد؛
- آمار مربوط به میزان تورم، خط فقر و بیکاری را منتشر کند. برای نظارت شهروندان بر سیاست‌های دولت شفافیت در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ضروری است؛ مزد حداقل را به تناسب و در سطحی همراه با قیمت‌ها تعیین و برای تمام ایرانیان سطح زندگی آبرومندانه‌ای با حق دریافت مزد کافی برای تامین زندگی فراهم کند.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در عین حال جمهوری اسلامی ایران را فرا می‌خوانند تا کنوانسیون‌های اصلی مربوط به کار را تصویب کند و به آنها بپیوندد، به ویژه کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان، کنوانسیون در باره آزادی تشکل و حمایت از حق سازمان دهی (سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون شماره ۸۷، ۱۹۴۸)، کنوانسیون حق سازمان دهی و مذاکره دسته جمعی (سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون شماره ۹۸، ۱۹۴۹)، کنوانسیون حداقل سن (سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون شماره ۱۳۸، ۱۹۷۳) و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران از جامعه بین‌المللی به تاکید می‌خواهند:

- از دولت ایران بخواهد با تمام گزارشگران ویژه سازمان ملل در انجام ماموریتشان همکاری کند و این گزارشگران را، به ویژه گزارشگر ویژه ایران را که درخواست دیدار از ایران کرده، دعوت کند.
- یک نهاد کارشناسی مستقل برای تعیین آثار واقعی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و میزان تاثیر منفی این تحریم‌ها بر مردم، به ویژه تهی دست‌ترین آنها، تشکیل بدهد و اقدام‌های لازم برای کاستن از آثار این تحریم‌ها را در پیش بگیرد.

پیوست: گزیده های مربوط به حقوق کار و کارگری - در ملاحظات پایانی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملاحظات پایانی خود در باره گزارش دوم ادواری جمهوری اسلامی ایران را در روز ۱۷ مه ۲۰۱۳ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۲) منتشر کرد. شماره این سند E/C.12/IRN/CO/2 است و در اینجا بخش های مربوط به حقوق کار و کارگری را نقل کرده ایم.

متن کامل ملاحظات پایانی در باره گزارش دوم جمهوری اسلامی ایران را که در پنجاهمین نشست کمیته تصویب شد از اینجا دریافت کنید: <http://bit.ly/17VVMR1x>

شماره ۶: کمیته از این نگران است که کشور متعهد علیه جوامع دینی غیراسلامی، مسیحی و زرتشتی تبعیض قایل می شود و این تبعیض بر برخورداری مردم از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیری به شدت منفی دارد.

کمیته از دولت متعهد به تأکید می خواهد که اقداماتی را در پیش بگیرد تا برخورداری پیروان دینهای غیررسمی در کشور متعهد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون تبعیض تضمین شود.

شماره ۸: کمیته از این نگران است که اعضای جامعه بهایی با تبعیض گسترده و نهادینه از جمله محرومیت از اشتغال در بخش دولتی، نهادهای آموزشی و برخورداری از بازنشستگی روبرو هستند.

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را در پیش بگیرد تا حمایت از جامعه بهایی در مقابل تبعیض و حذف از امور و زمینه های مختلف، شامل محرومیت از اشتغال و مزایای بازنشستگی را تضمین کند. کمیته همچنین توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را در پیش بگیرد که در عمل و قانون، دسترسی بدون مانع دانشجویان بهایی به دانشگاه ها و موسسه های آموزش حرفه ای را تضمین کند و از منع و اخراج دانشجویان از این موسسه ها به خاطر وابستگی به جامعه بهایی جلوگیری کند.

شماره ۱۰: کمیته از این نگران است که مشارکت زنان در نیروی کار در سطح پایین و رو به کاهش است. کمیته از تعداد کم زنان در سطوح تصمیم گیری در بخش عمومی و حذف آنها از بعضی سمت های عمومی، مثل پست ریاست دادگاه، نگران است. کمیته همچنین از این نگران است که قانون حمایت از خانواده به یک همسر اجازه می دهد تا همسر دیگر را با حکم دادگاه از اشتغال محروم کند. (ماده ۳).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را برای رسیدگی به کاهش مشارکت زنان در نیروی کار در پیش بگیرد. کمیته توصیه می کند که دولت متعهد قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده را به منظور حذف اختیار همسر در ممانعت از اشتغال همسر دیگر اصلاح کند. کمیته همچنین توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را برای افزایش زنان در تمام سطوح و زمینه ها در نهادهای تصمیم گیری و قضایی در پیش بگیرد

شماره ۱۱: کمیته از میزان بسیار بالای بیکاری و تداوم افزایش آن، به رغم اقدام های دولت متعهد برای افزایش اشتغال، نگران است. کمیته به ویژه از میزان بالای بیکاری زنان (۲۰/۹ درصد در سال ۲۰۱۱) و جوانان و نیز میزان بی تناسب بیکاری در مناطق محل سکونت اقلیت های قومی، مثل استان های سیستان و بلوچستان و خوزستان، نگران است. (ماده ۶).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد کوشش های خود را برای مبارزه با بیکاری از طریق اقدامات هدفمند مشخص، از جمله با توجه به بی تناسبی میان آموزش و بازار کار و از طریق بالابردن کیفیت آموزش فنی و حرفه ای، به ویژه در ارتباط با زنان و جوانان، افزایش دهد. کمیته همچنین دولت متعهد را با تاکید فرا می خواند تا اقدامات ویژه موقتی را برای توجه به میزان بالای بیکاری در مناطق محل سکونت اقلیت های قومی در پیش بگیرد و در این زمینه اطلاعاتی را در باره پیشرفت به دست آمده در گزارش بعدی دولت ارایه کند.

شماره ۱۲: کمیته از این نگران است که فرایند گزینش بر اساس قانون گزینش ۱۳۷۴ که اساس آن معیارهای دینی و اخلاقی است به برابری فرصت ها یا موقعیت در زمینه اشتغال یا استخدام افرادی مربوط به اقلیت های قومی و دینی و اشخاص غیرروحانی در بخش دولتی و سازمان هایی که از دولت بودجه دریافت می کنند لطمه بزند. (ماده ۶).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد سازگاری کامل مقررات گزینش با موازین میثاق را تضمین کند و به این ترتیب اطمینان حاصل کند که استخدام مشروط به عقیده سیاسی، وابستگی یا هواداری سیاسی در گذشته یا وابستگی دینی نشود.

شماره ۱۳: کمیته از این نگران است که قانون کار شامل واحدهای کمتر از پنج نفر یا مناطق آزاد اقتصادی نمی شود و در حدود ۷۰۰۰۰۰ کارگر قانونی از شمول آن محروم هستند. (ماده ۷).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را برای گسترش شمول قانون کار به تمام کارگران، از جمله کسانی که در واحدهای کمتر از پنج نفر و در مناطق آزاد اقتصادی کار می کنند، در پیش بگیرد.

شماره ۱۴: کمیته از این نگران است که سطح مزد حداقل، بنا به اعلام شورای عالی کار، به میزانی تعیین شده که برای تامین زندگی آبرومند برای کارگران و خانواده های آنها کافی نیست. کمیته همچنین نگران است که کارگران افغان اغلب کمتر از مزد حداقل دستمزد دریافت می کنند یا اصلاً دستمزدی به آنها پرداخت نمی شود. (ماده ۷).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اطمینان حاصل کند که مزد حداقل در سطح کشور به میزان کافی برای تامین استاندارد آبرومند زندگی تعیین شود و تلاش های خود را برای افزایش تصاعدی مزد حداقل طبق ماده ۷ (الف) (۲) میثاق تقویت کند. کمیته همچنین توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را در پیش بگیرد تا مزد پرداختی به کارگران افغان پایین تر از مزد حداقل نباشد.

شماره ۱۵: کمیته از این نگران است که دولت متعهد از تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری جلوگیری می کند. کمیته از این نگران است که فعالان حقوق کارگران، مثل کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کانون صنفی معلمان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران، و اعضای سندیکای کارگران اتوبوسرانی و کارگران نیشکر به خاطر اتهام های مبهمی مثل «لطمه زدن به امنیت کشور»، «اقدام علیه امنیت ملی» یا «تبلیغ علیه نظام» قربانی آزار و تعقیب، دستگیری و بازداشت شده اند. کمیته همچنین از این نگران است که کارگران شرکت کننده در اعتصاب قربانی انتقام جویی مسئولان دولتی، از جمله از طریق حکم های حبس تعلیقی و اخراج، شده اند. (ماده ۸).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را در پیش بگیرد که تشکیل اتحادیه های مستقل، از جمله کانون های صنفی معلمان، کارگران اتوبوسرانی و کارگران نیشکر و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران، و انجام فعالیت های آنها بدون دخالت و مزاحمت تضمین شود. کمیته توصیه می کند که دولت متعهد امکان مشارکت کارگران در اعتصاب ها را بدون ترس از انتقام جویی تضمین کند. کمیته همچنین از دولت متعهد می خواهد تا فعالان سندیکایی و اعضای اتحادیه های مستقل کارگری را که در حال حاضر حکم زندان خود را می گذرانند و در سازگاری با استانداردهای سندیکایی شناخته شده در سطح بین المللی عمل کرده اند، فوری آزاد کند.

شماره ۱۹: کمیته از این نگران است که تعداد بسیار زیادی از کودکان، به ویژه در تهران، اصفهان، مشهد و شیراز، در خیابان زندگی و یا کار می کنند، و دسترسی این کودکان به خدمات بهداشتی و آموزشی محدود است. (ماده ۱۰).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقدامات فوری و موثری را برای توجه به وضعیت تعداد بسیار زیاد کودکانی که در خیابان ها زندگی و یا کار می کنند در پیش بگیرد و به ریشه های اصلی این پدیده رسیدگی کند و دسترسی تمام کودکان خیابان را به خدمات بهداشتی و آموزش تامین نماید.

شماره ۲۰: کمیته از این نگران است که کار کودکان، به ویژه در مناطق روستایی، و از جمله در واحدهای قالی بافی و دیگر واحدهای سنتی خانوادگی، رایج است. کمیته از این نگران است که قوانین داخلی سن حداقل کار را به طور هماهنگ تعیین نکرده اند و کار کودکان در کشاورزی، خدمات خانگی و بعضی واحدهای کوچک اقتصادی مجاز است. کمیته همچنین از این نگران است که اجرای قوانین مربوط به کار کودک و نظارت بر آنها غیرموثر و ناکافی است. (ماده ۱۰).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد اقداماتی را برای تقویت قوانین کشور بر طبق استانداردهای بین المللی به منظور منع کار کودکان در تمام بخش های از جمله کشاورزی، خدمات خانگی، خشت زنی / آجرپزی در پیش بگیرد. کمیته همچنین توصیه می کند که دولت متعهد از اجرای قوانین مربوط به کار کودکان و نظارت موثر بر اجرای آنها، از جمله از طریق بازرسی وضع کار در بخش های کشاورزی و غیررسمی و از پاسخگو کردن کارفرمایانی که در استثمار کار کودکان شرکت دارند اطمینان حاصل کند و اقداماتی برای بازپروری کودکان قربانی کار و دسترسی آنها به آموزش در پیش بگیرد. کمیته توصیه می کند که دولت متعهد برنامه های آگاه سازی به منظور ریشه کن کردن کار کودکان را در پیش بگیرد.

شماره ۲۱: کمیته از این نگران است که با وجود پیشرفت قابل توجه در زمینه کاهش فقر مطلق، سطح فقر در بعضی از مناطق کم توسعه یافته، از جمله سیستان - بلوچستان، خوزستان و کردستان، بسیار بالا است (ماده ۱۱).

کمیته توصیه می کند که دولت متعهد تمام اقدامات لازم را برای کاهش بیشتر فقر و فقر مطلق در پیش بگیرد به ویژه در استان هایی که اقلیت های قومی زندگی می کنند، مثل سیستان - بلوچستان، خوزستان و کردستان. کمیته از دولت متعهد می خواهد تا در گزارش ادواری بعدی خود اطلاعات تفکیکی و تطبیقی در باره تعداد زنان و مردانی را که در فقر و فقر مطلق زندگی می کنند با تفکیک سال و استان بگنجانند.

شماره ۳۱: کمیته توصیه می کند که دولت متعهد در پیروی از ماده (۲) میثاق و با در نظر گرفتن نظریه عمومی شماره ۲۰ (۲۰۰۹) در باره عدم تبعیض در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قانونی فراگیر علیه تبعیض به تصویب برساند.

شماره ۳۲: کمیته دولت متعهد را به امضا و تصویب پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترغیب می کند.

شماره ۳۳: کمیته دولت متعهد را به امضا و تصویب کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون مبارزه با شکنجه و مجازات ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر آمیز، کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها، و کنوانسیون بین المللی حمایت از تمام افراد در مقابل ناپدید شدن های قهری، و پس گرفتن شرط های خود در باره کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ترغیب می کند.

گزارش های قبلی در باره ایران:

مجازات اعدام - سیاست دولتی ایجاد وحشت

<http://www.fidh.org/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D986-%D985%D8%AC%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D985%>

رُویه پنهان ایران: تبعیض ضد اقلیت های قومی و دینی

<http://www.fidh.org/%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4%DB%8C-%DA%A9%D988%D8%A8%D986%D8%AF%D987%>

سیاست دولتی اختناق: سرکوب آزادی، زندان، شکنجه، اعدام... (در باره اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)

<http://www.fidh.org/%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%AF%D988%D984%D8%AA%DB%8C-11065>

چشمه‌ها را باز نگهداریم

بررسی وقایع:

هیاتهای تحقیق و نظارت قضایی

از اعزام یک ناظر قضایی به جلسه محاکمه تا سازماندهی یک هیأت تحقیق بین‌المللی، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر مدت ۵۰ سال است که به شکلی قاطع و بی‌طرف به بررسی وقایع و تعیین مسؤلیت هیأت‌ها پرداخته است. کارشناسان به صورت داوطلب اعزام میشوند. فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر طی ۲۵ سال گذشته حدود ۱۵۰۰ هیأت به ۱۰۰ کشور اعزام داشته است. این اقدامات، کارزارها و دادخواهی‌های فدراسیون را تقویت می‌کند.

حمایت از جامعه‌ی مدنی:

برنامه‌های کارآموزی و تبادل اطلاعات

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در راستای همکاری با سازمان‌های عضو، سمینارها و کنفرانس‌هایی را در کشورهای آنها برگزار می‌کند. هدف از این برنامه‌ها، تقویت کارآیی مدافعان حقوق بشر و نفوذ و اعتبار آنان نزد مقامات محلی است.

بسیج جامعه‌ی بین‌المللی:

تماس مداوم با مراجع دولتی بین‌المللی

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر از اقدامات جامعه‌های عضو و وابسته‌اش نزد مراجع دولتی بین‌المللی حمایت می‌کند، درباره وضعیت حقوق بشر و موارد نقض آنها هشدار می‌دهد و در تدوین موازین حقوقی بین‌المللی مشارکت می‌نماید.

آگاهانیدن و گزارش‌دهی

بسیج افکار عمومی

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر به آگاه‌سازی و بسیج افکار عمومی می‌پردازد و با برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، صدور اطلاعیه، نامه‌های سرگشاده خطاب به دولتمردان، گزارش هیات‌های تحقیق، درخواست‌های فوری، شکواییه‌ها، فراخوان‌ها و ... افکار عمومی را در جریان موارد نقض حقوق بشر قرار می‌دهد.

LDDHI

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

(عضو فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر)

League for the Defence of Human Rights in Iran

(FIDH Member)

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، پس از بسته شدن جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر (تاسیس ۱۳۵۶) در ایران در سال

۱۳۶۰ و تبعید رهبران آن به خارج، در فروردین ۱۳۶۲ در پاریس تاسیس شد. اهداف این جامعه عبارت هستند از:

افشای نقض حقوق بشر در ایران و مبارزه با آن

ترویج فرهنگ حقوق بشر در میان ایرانیان از طریق نشر کتاب‌ها، نشریات و مقالات به فارسی و زبان‌های دیگر برای ایرانیان و جامعه بین‌المللی و گفتگو با رسانه‌ها

برگزاری کنفرانس و سخنرانی در کشورهای مختلف، به ویژه در باره الغای مجازات اعدام در ایران، حقوق زنان، زندانیان سیاسی و عقیدتی و اقلیت‌های قومی و دینی

برگزاری کنفرانس با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نهادهای سازمان ملل

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۸۶ به عضویت فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در آمد.

رئیس: عبدالکریم لاهیجی (رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر)

پست الکترونیکی: lddhi@fidh.org

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر:

FIDH - International Federation for Human Rights

17, passage de la Main-d'Or - 75011 Paris - France

CCP Paris: 76 76 Z

Tel: (33-1) 43 55 25 18 / Fax: (33-1) 43 55 18 80

www.fidh.org

مدیر نشریه: عبدالکریم لاهیجی

ویراستار: آنتوان برنار

نویسنده: بیژن بهاران

هماهنگی: دیوید کنات، پیا ناوازو، ایزابل براشه

طراح: وسام الدین اسامه

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) نماینده ۱۷۸ سازمان حقوق بشر در ۵ قاره است.



ماده ۸: در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع به محاکم ملی صالحه دارد. ماده ۹: هیچکس را نمی توان خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود. ماده ۱۰: هر کس با برابری کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مساوی و بی طرفی، منصفانه و علنا رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشند، اتخاذ تصمیم بنماید. ماده ۱۱: الف) هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع از او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد. ب) هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد.

در باره فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH)

- فدراسیون برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، جلوگیری از تعدی ها و اجرای عدالت در مورد مرتکبان نقض حقوق بشر فعالیت میکند.
- **وظایف گسترده:**
- فدراسیون برای رعایت کلیهی حقوق تصریح شده در اعلامیهی جهانی حقوق بشر فعالیت میکند: حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- یک جنبش جهانی:
- فدراسیون در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد و امروزه ۱۷۸ سازمان عضو را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان متحد میسازد. فدراسیون فعالیتهای آنها را هماهنگ و از این فعالیتهای حمایت میکند و در سطح بینالمللی صدای آنها به شمار میرود.
- یک سازمان مستقل:
- فدراسیون همانند سازمانهای عضو خود با هیچ حزب یا مذهبی مرتبط نیست و از تمام دولتها مستقل است.

fidh